**بسم اللّه الرّحمن الرّحیم**

1- خداوند از طریق حرم ائمه«علیهم‌السلام» در حرم ائمه حاضر است و لذا حرم محوطه‌ای مقدس می‌باشد.

2- زیارت برای زائر، عالَم می‌آفریند و لذا برای آفریده‌شدنِ آن عالَم، ایثار و فداکاری لازم است.

3- در هر زیارتی انسان عالَم خود را برای نخستین بار تجربه می‌کند.

4- زیارت موجب اندیشه و معرفت بزرگی می‌شود ماورای اندیشه‌ای معین که مفهومی و انتزاعی باشد.

5- به هر حال با توجه به این‌که روح انسان به خِردی نیاز دارد که در هیچ کتاب و مدرسه‌ای به‌دست نمی‌آید مگر با زیارت اولیای دین؛ نمی‌توان به دیار زیارت آن عزیزان دل نبست. آری! باید بی سر و صدا هرکس و یا چند نفر، چند نفر دل را در دست گرفت و در محضر امام رئوف گشود تا او ، آری! تا او آن را بگشاید و آنچه که فقط در اختیار آن امام رئوف است، در آن قرار دهد. هیچ‌جای دیگر خبری نیست.

 امام رضا می‌فرمایند: **«مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِيناً وَ شِمَالًا وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَان‏».** هركس در اين خانه‌ی دورِ من، مرا زيارت كند، روز قيامت در سه جا نزد او مى‏آيم تا او را از هراسِ آن‌ها نجات دهم. «در وقتى كه نامه‏هاى اعمال از راست و چپ در پرواز و پَران باشد» و «در پل صراط» و «در نزد سنجيدن كردارهاى نيك و بد».**آری**

خانه‌های آن کسانی می‌خورد دَر بیشتر که به سائل می‌دهند از هرچه بهتر، بیشتر

عرض‌حاجت می‌کنم آنجا که صاحب خانه‌اش پاسخ‌ِ یک می‌دهد با ده برابر، بیشتر

گاه گاهی که به درگاه کریمی می‌روم راه می‌پویم نه با پا بلکه با سر، بیشتر
زیر دِین چهارده معصومم‌ اما گردنم زیر دِین حضرت موسی‌ابن جعفر، بیشتر
گردنم در زیر دِین آن امامی هست که داده در ایران ما طوبای او بر، بیشتر
آن امامی که فداک گفتنش رو به قم است با سلامش می‌کند قم را منور، بیشتر
قم، همان شهری که یک‌هم ماه دارد بر زمین همچنین از آسمان دارد چِل اختر، بیشتر
قصد اینبارِِ قصیده از برادرگفتن است ورنه می‌گفتم از این معصومه خواهر، بیشتر
در مقامش مصرعی می‌گویم و رد می‌شوم لطف باباهاست معمولا به دختر، بیشتر
عازم مشهد شدم تا با تو درد دل کنم بودنت را می‌کنم اینگونه باور، بیشتر
مرقدت ضرب المثل های مرا تغییر داد هرکه بامش بیش برفش، نه! کبوتر، بیشتر
چارفصل‌مشهد از عطرگلاب‌آکنده است اینچنین یعنی سه‌فصل از شهر قمصر، بیشتر
پیش تو شاه و گدا یکسان ترند از هر کجا این حرم دیگر ندارد حرف کمتر، بیشتر
از غلامان شما هم میشود دنیا گرفت من نیازت دارم آقا روز محشر، بیشتر
ای که راه انداختی امروز و فردای مرا چشم در راه تو هستم روز آخر، بیشتر
بر تمام اهل بیت خویش حساسی ولی جان زهرا چون شنیدم که به مادر، بیشتر

**جايگاه زيارت اولياء الهي و ائمه معصومين**

 وقتي متوجه باشيم ذات مقدس نبي‌اكرم، و امامان معصوم قدرت تصرف بر قلب و جسم انسان‌ها، به‌خصوص زائر خودرا دارند، به اين اميد به زيارت آن‌ها مي‌رويم كه آنها از نور ذات معصوم خود، بر قلب ما تجلي دهند، تا إن‌شاءالله مبادي ميل ما از گناه و غفلت، به اطاعت و حضور سير كند. و نيز چون مي‌دانيم ملا**ئكة** الله گرداگرد حرم آن‌ذوات مقدسه حاضرند و فضاي آن مكان را به قداست و معنويت مخصوصي تبديل كرده‌اند، لذا حضور ما در فضاي حرم معصومين موجب خواهد شد تا قلب تحت تأثير از انوار ملائكه قرارگیرد و قلب متوجه كمالاتي از عالَم غيب ‌شود ودرنتيجه جهت آن در سير به سوي آن كمالات، ممكن و سهل مي‌گردد، و به عبارت ديگر راه ارتباط با عالم غيب برايش ممكن مي‌شود. اين‌ها و هزاران هزار بركات ديگر نتايج زيارت و حضور در حرم ذوات مقدس معصومين و منتسبين به معصومين مثل امام‌زاده‌ها مي‌باشد.

 انسان‌ها استعدادها وابعادي دارندكه ازطريق زيارت وتماس با نورجانِ اولياءِ خدا به تعالي مي‌رسد و جلوه‌هايي ازربوبيت حق -كه جان اولياء خدا آيينه‌ی نمايش آن است- ازطريق زيارت و انس روحي باآن ها، به نمايش مي‌آيد.

 همان طور كه خداي بي‌زمان و بي‌مكان در خانه‌ی كعبه بهتر ملاقات مي‌شود و حضرت رب‌العالمين نظري خاص به زائر خانه كعبه دارد، اولياء خدا نيز در حرم خود بهتر ملاقات مي‌شوند و در آن‌جا نظر خاصي به زائر خود دارند و اگر او اندك مناسبتي در خود ايجاد كرده باشد او را در حوزة معرفتي خودشان وارد مي‌كنند.

 در زيارت، يك نحوه هجرت از طرف زائر به سوي امام محقق مي‌شود و با انجام آداب و سنن زيارتْ زائر؛ آرام‌آرام به حريم امامت نزديك مي‌شود تا استعدادِ فهم آن مقام در او حاصل گردد و اگر آداب و سنن لازمه را رعايت نكرد و بهره‌ی بايسته را نگرفت، خود را ملامت كند.

**کیفیت زیارت حضرت امام رضا**

چون اراده نمایى زیارت کنى قبر امام رضا را پس غسل کن پیش از آن‌که از خانه بیرون روى و در وقتى که غسل مى‌کنى بگو:

**اَللّهُمَّ طَهِّرْنى وَطَهِّرْ لى قَلْبى وَاشْرَحْ لى صَدْرى وَاَجْرِ عَلى لِسانى مِدْحَتَک وَالثَّنآءَ عَلَیک فَاِنَّهُ لا قُوَّةَ اِلاّ بِک اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ لى طَهُورا وَشِفآءً**.

 خدایا: پاکم کن و پاک کن دلم را و بگشا سینه‌ام را و مدح و ثناى خود را بر زبانم جارى کن زیرا که نیروئى نیست جز به‌وسیله‌ی تو، خدایا: این غسل را برایم پاک‌کننده و درمان دردهایم قرار ده.

پس از آن چون به مشهد رسیدی هرگاه خواستى به زیارت بروى غسل بکن و همان ذکر را بگو. از خانه خارج شو و در حال قدم زدن به آرامى و وقار در حالی که دلت بیاد خدا باشد بگو: «اَللَّهُ اَکبَرُ و لا اِلهَ اِلا اللَّهُ و سُبْحانَ اللَّهِ و الْحَمْدُلِلَّهِ».

**چون وارد صحن شدی و از دور گنبد را دیدی قبل از اذن دخول این طور زمزمه کن:**

به قفل بسته کلید اجابت است این‌جا که آستانه‌ی جود و کرامت است این‌جا
به دلنوازیِ جان در رواق او بنشین چرا که قبرِ مسیحای عترت است این‌جا
بکوش تا پَرِ پروانه‌اش شوی،‌ زیرا پُر از تلأ لؤ شمعِ هدایت است این‌جا
زلال اشک تو از چشمه‌ی خلوصِ دل همیشه إذن دخولِ زیارت است این‌جا
نه دیدن حرم و قبر و صحن و گلدسته هدفِ وصالِ حقیقی حضرت است این‌جا

چون مرتبه دیگر به زیارت آمدید قبل از اذن دخول خوب است که این ابیات را زمزمه ‌کنید:

من با تو زندگی نکنم پیر می‌شوم بی تو من از جوانیِ خود سیر می‌شوم

من در شعاع پرتو شمس الشموسیت بی‌اختیار پیش تو تبخیر می‌شوم

======================

خاک بوسان درت جمله طلا خیزانند نوکری نیست در این خانه که سلطان نشود

کیست تا درک کندشأن و مقاماتت را مورِ کوی توخودش‌خواست سلیمان نشود

هرکه افتاده به راه تو عزیزش کردی هرکه دل داد به تو بی سر و سامان نشود
لذتِ عمر فقط یاد شما زیستن است آن‌که با یاد شما بود پشیمان نشود

**همين كه به در بارگاه‏ شريف رسيدى بايست، و طلب اذن كن و بگو:**

**اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلا بِإِذْنِهِ فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ.**

خداوندا! من ايستاده‌‏ام كنار درى از درهاى خانه‏‌هاى پيامبرت كه درود تو بر او و آل او باد، و تو مردم را بازداشته‌اى از اين‏كه بدون اجازه‌ی او وارد شوند، و فرموده‌‏اى: «اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد به خانه‌هاى پيامبر وارد نشويد مگر اين‌كه به شما اجازه داده شود».

 **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ.** خداوندا؛ من به حُرمت صاحب اين مكان شريف در فقدان او معتقدم؛ همان‏ گونه كه آن را در حضورش باور دارم.

**وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرَوْنَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلامِي وَ يَرُدُّونَ سَلامِي وَ أَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ.** و مى‏دانم كه رسول تو و جانشينان تو -كه درود بر آنان باد- زنده‏‌اند، نزد تو روزى مى‌خورند، جايگاه مرا مى‏بينند سخن مرا مى‌شنوند، و سلام مرا پاسخ مى‏‌دهند، و تو گوشم را از شنيدن كلام ايشان باز داشته‌‏اى، و درِ فهميدن لذّت راز و نياز با ايشان را برايم گشوده‌‏اى.

 **وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَانِيا وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا«عليهماالسلام» وَ الْمَلائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثا.** پروردگارا؛ من ابتدا از تو اجازه مى‌‏گيرم، و ثانياً از رسول گرامى‏‌ات - كه درود خدا بر او و آل او باد - اجازه مى‏‌طلبم، و از جانشين تو امام و پيشوايى كه اطاعت او را بر من واجب فرموده‌‏اى، (يعنى حضرت) علىّ بن موسى الرضا - كه سلام بر او باد- و از فرشتگانى كه به اين بارگاه مبارك و پر بركت موكّلند در مرحله‌ی بعدى اجازه مى‌خواهم.

 **أَ أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَ أَدْخُلُ يَا مَلائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأْذَنْ لِي يَا مَوْلايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ.**

آيا وارد شوم اى رسول خدا؟ آيا وارد شوم اى حجّت خدا؟ آيا وارد شوم اى فرشتگان مقرّب خداوند كه در اين زيارتگاه اقامت داريد؟ به من - اى مولاى من؛ - اجازه بده وارد شوم بهتر از اجازه‌اى كه به يكى از دوستانت مرحمت فرموده‌اى، اگر من شايسته آن نباشم، شما شايستگى آن را داريد.

با اشعاری که بعضاً مطرح می‌شود در محضر مولایمان علی‌بن موسی‌الرضا به فراخور موقعیت، می‌توان نجوا کرد. به امید آن‌که گشایش لازم از این طریق فراهم گردد. از جمله در مقابل روضه مقدس حضرت خطاب به آن حضرت می‌گویید:

من بارها فتاده، تو دستم گرفته‌ای لطفت زیاد دیدم و کم می‌برم ز یاد

=================

ای که چون من هزارها داری آسمانی پُر از دعا داری

دست‌هایم دخیل‌تان هستند بس که دستِ گره‌گشا داری

از گدا هم کریم می‌سازی بس که اعجاز کیمیا داری

من هوای تو را به سر دارم تو هوای دلِ مرا داری

هرچه بیمار هم بیاید باز تو برایِ همه دوا داری

**به سوی روضه‌ی مقدّسه حرکت کن و بگو:**

**بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ«صَلَّى‌اللَّهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ» اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.**

به نام خدا، و به خدا، و در راه خدا، و بر آيين رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد- خدايا! مرا بيامرز و به من رحم كن، و توبه‌ام را بپذير، زيرا تويى بسيار توبه پذير مهربان.

پس برو به طرف ضریح و قبله را در پشت خود بگیر و روبه‌روى آن حضرت بایست و بگو**:**

**آغاز زیارت: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ.**

گواهى مى‌دهم كه معبودى جز خدا نيست، يگانه است و شريكى برايش نمی‌باشد، و گواهى می‌دهم كه محمّد بنده و رسول اوست، و اين‌كه او آقاى پيشينيان و پسينيان، و آقاى پيامبران و رسولان است.

 **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ صَلاةً لا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ.**

خدايا درود فرست بر محمّد بنده و رسول و پيامبر و آقاى تمام آفريدگانت، درودى كه نيروى شمردن آن را كسى جز تو نداشته باشد.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ.**

خدايا! درود فرست بر اميرمؤمنان على بن ابي‌طالب بنده‌ات و برادر رسولت، آن وجود مباركى كه او را به علم خود برگزيدى، و براى هركه از بندگانت خواستى او را راهنما قرار دادى.

 **وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالاتِكَ وَ دَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.**

و دليل بر وجود پيامبرى كه او را با رسالت‌هايت برانگيختی و او را به عدالتت داور دين و فيصله‌بخشِ حكم خود در ميان بندگانت نهادى، و بر تمام اين‌ها مسلّط نمودى، سلام و رحمت و بركات خدا بر او باد.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَ أُمِّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الطُّهْرَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ صَلاةً لا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ.**

خدايا! درود فرست بر فاطمه دختر پيامبرت، و همسر ولیّت، و مادر دو فرزندزاده پيامبر، حسن و حسين، دو سرور جوانان اهل بهشت، آن بانوى پاك و پاكيزه و پاك گشته و بى عيب و پسنديه و زكيّه، سرور بانوان همه‌ی اهل بهشت، درودى كه توان شمردن آن را كسى جز تو نداشته باشد.

 **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْقَائِمَيْنِ فِي خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَيْنِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالاتِكَ وَ دَيَّانَيِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلَيْ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ.**

خدايا! درود فرست بر حسن و حسين، دو فرزندزاده‌ی پيامبرت، و دو سرور جوانان اهل بهشت، دو قيام‌كننده در ميان بندگانت، و دو راهنما بر وجود پيامبرى كه او را به رسالت‌هايت برگزيدی و دو داور دين به دادگرى و دو فيصله‌بخشِ حكم خود در ميان بندگانت.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالاتِكَ وَ دَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ.**

خدايا! درود فرست بر على بن الحسين بنده قيام كننده در ميان بندگانت، و راهنما بر پيامبرى كه او را به رسالت‌هايت برگزيدى، و داور دين به دادگری و فيصله بخش حكم خود در ميان بندگانت، سرور بندگی كنندگانت.

 **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ**

خدايا! درود فرست بر محمّد بن على بنده و خليفه‌ات در زمين، شكافنده‌ی دانش پيامبران.

 **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّ دِينِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ الْبَارِّ.**

خدايا! درود فرست بر جعفر بن محمّد صادق، بنده و ولىِّ دينت، و حجّت بر همه‌ی بندگان، آن راستگوى نيكوكار.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَبْدِكَ الصَّالِحِ وَ لِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَ الْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ.**

خدايا! درود فرست بر موسی‌بن‌جعفر، بنده‌ی شايسته‌ات، و زبانت در بين بندگانت، آن گوياى به قانون و فرمانت و حجّت بر مخلوقاتت.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى عَبْدِكَ وَ وَلِيِّ دِينِكَ الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَ دِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ صَلاةً لا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ.**

خدايا! درود فرست بر على‌بن‌موسى‌الرضا، آن پسنديده‌ی پيشگاهت و بنده و ولىّ دينت، قيام‌كننده به دادگرى و دعوت‌كننده به سوى دين تو، و دين پدرانِ راستگويش، درودى كه توان شمردن آن را كسى جز تو نداشته باشد.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّ دِينِكَ.**

خدايا! درود فرست بر محمّد بن على بنده و ولیّت، قيام‌كننده به امرت، و دعوت‌كننده به راهت. خدايا! درود فرست بر على بن محمّد بنده و ولىّ دينت.

اللَّهُمَّ **صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَ حُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.**

خدايا! درود فرست بر حسن بن علی، عمل‌كننده به فرمانت، قيام‌كننده در ميان بندگانت، و حجّتت كه اداكننده بود از طرف پيامبرت، و گواهت بر بندگانت اختصاص يافته به كرامتت، دعوت‌كننده به طاعتت و طاعت رسولت، درودهايت بر همه‌ی آنان باد.

 **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.**

خدايا! درود فرست بر حجّت و ولِیّت، قيام‌كننده در ميان بندگانت، درودى كامل، روينده، پايدار كه به آن درود، در گشايشِ امرش شتاب كنى، و به آن يارى‌اش نمايى، و ما را در دنيا و آخرت با او قرار دهى.

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَ أُوَالِي وَلِيَّهُمْ وَ أُعَادِي عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.**

خداى من! به محبّت ايشان به تو تقرّب می‌جويم و دوست دارم دوست ايشان را، و دشمن دارم دشمن آنان را، پس به حق آنان خير دنيا و آخرت را نصيبم كن، و شرّ دنيا و آخرت و هراس‌هاى روز قيامت را از من بازگردان.

**می‌روی در قسمت بالای سر و این طور زمزمه می‌کنی:**

من بی‌دل آمدم که تو دل‌دارِ من شوی غم‌دیده آمدم که تو غم‌خوار من شوی

شادم که در حریم تو افتاده بار من آیا شود ز لطف خریدار من شوی؟

خود را ز راه دور کشاندم به کوی تو دل‌خسته آمدم که مددکار من شوی

من ورشکسته‌ی گنه‌ام می‌شود شبی یوسف شوی و گرمی بازار من شوی؟

عمرم به باد رفته به داد دلم برس من آمدم که مونس من، یار من شوی

آقاییم همیشه ز سلطانی شماست یک عمر نوکرم که تو سالار من شوی

**سپس نزد سر مبارک آن حضرت اظهار می‌داری:**

**السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ.**

سلام بر تو اى ولىّ خدا، سلام بر تو اى حجّت خدا، سلام بر تو اى نور خدا در تاريكي‌هاى زمين، سلام بر تو اى ستون دين.

**السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ.**

سلام بر تو اى وارث آدم برگزيده‌ی خدا، سلام بر تو اى وارث نوح پيامبر خدا، سلام بر تو اى وارث ابراهيم دوست خدا، سلام بر تو اى وارث اسماعيل قربانى خدا.

**السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ.**

سلام بر تو اى وارث موسى همسخنِ خدا، سلام بر تو اى وارث عيسى روح خدا، سلام بر تو اى وارث محمّد فرستاده‌ی خدا.

 **السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ وَلِيِّ اللَّهِ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.**

سلام بر تو اى وارث امير مؤمنان على ولّى خدا، و جانشين فرستاده‌ی پروردگار جهانيان.

 **السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْن سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.**

سلام بر تو اى وارث فاطمه‌ی زهرا، سلام بر تو اى وارث حسن و حسين دو سرور جوانان اهل بهشت.

**السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.**

سلام بر تو اى وارث على بن الحسين زيور پرستندگان، سلام بر تو اى وارث محمّد بن على، شكافنده‌‌ی دانش پيشينيان و پسينيان.

 **السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ.**

سلام بر تو اى وارث جعفر بن محمّد راستگوى نيكوكار، سلام بر تو اى وارث موسى بن جعفر، سلام بر تو اى راستگوى شهيد.

 **السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ [مُخْلِصا] حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ**.

 سلام بر تو اى جانشين نيكوكار پرهيزکار، گواهى مى‌دهم كه تو نماز را به پا داشتى، و زكات دادى، و امر به معروف و نهى از منكر نمودى، و خدا را (خالصانه) عبادت كردى، تا مرگ تو را دررسيد، سلام بر تو باد اى ابا الحسن و رحمت و بركات خدا.

**بعد می‌گويى:**

 **اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِي وَ قَطَعْتُ الْبِلادِ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلا تُخَيِّبْنِي وَ لا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءِ حَاجَتِي.**

خدايا از وطنم آهنگ تو كردم، و به اميد رحمتت شهرها را پشت سر گذاشتم، پس نااميدم مكن، و بدون برآوردن حاجتم، بازم مگردان.

 **وَ ارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا مَوْلايَ.**

و بر رفت وآمدم بر قبر فرزند علی، برادر رسول خدا‌ رحم كن، پدر و مادرم فدايت، اى مولايم.

 **أَتَيْتُكَ زَائِراً وَافِداً عَائِذاً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَ احْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي**

به عنوان زائری میهمان و پناه‌آورنده بر تو وارد شدم، نسبت به ظلمی که بر خود کرده‌ام، و بار گناهی که بر پشت کشیدم.

 **فَكُنْ لِي شَافِعا إِلَى اللَّهِ يَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ وَ أَنْتَ عِنْدَهُ وَجِيهٌ.**

به درگاه خدا شفيع من باش در روز تهيدستى و ندارى، براى تو نزد خدا مقامى بس ستوده است، و تو نزد او بس آبرومندى.

**پس مى‌گويی:**

 **اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَ بِوِلايَتِهِمْ أَتَوَلَّى آخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ وَ أَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَهُمْ.**

خدايا! به سوى تو تقرب می‌جويم با دوستى و ولايت ايشان، آخرين آن‌ها را دوست دارم، آن‌گونه كه دوست داشتم اولين آن‌ها را، و بيزارى می‌جويم از هر يارىِ غير ايشان.

 **اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَ اتَّهَمُوا نَبِيَّكَ وَ جَحَدُوا بِآيَاتِكَ وَ سَخِرُوا بِإِمَامِكَ وَ حَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَافِ آلِ مُحَمَّدٍ.**

خدايا! لعنت كن كسانى را كه نعمتت را دگرگون كردند، و پيامبرت را متهمّ نمودند، و آياتت را منكر شدند، و امام برگزيده‌ات را ريشخند زدند، و مردم را عليه خاندان محمّد مسلط كردند.

 **اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا رَحْمَانُ.**

 خدايا! من با لعنت بر آنان و بيزارى از ايشان در دنيا و آخرت به تو تقرّب مى‌جويم اى مهربان.

**خوب است قبل از ترک بالای سر این طور زمزمه کنی:**

مریض آمده اما شفا نمی‌خواهد قسم به جان شما جز شما نمی‌خواهد
برای پیش تو بودن بهانه‌ای کافی‌ست بهشتِ لطف کریمان بها نمی‌خواهد
دلیل ناله‌ی من یک نگاه محبوب است وگرنه درد غلامان دوا نمی‌خواهد
فقیر آمدم و دلشکسته پرسیدم: مگر که شاه خراسان گدا نمی‌خواهد؟
دلم به عشق تو تا آسمان هشتم رفت نماز در حَرَمت «اهدنا» نمی‌خواهد
همین قَدَر که غباری بر آستان باشد رواست حاجت عاشق، دعا نمی‌خواهد
تو آشنای خدایی، کدام رهگذری در این جهانِ غریب آشنا نمی‌خواهد؟
**آنگاه بازمی‌گردى به نزد پای آن حضرت و می‌گويى:**

 **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ صَبَرْتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ.**

درود خدا بر تو اى اباالحسن، درود خدا بر روح و پيكرت شكيبايى نمودى، تويى راستگوى تصديق شده، خدا بكشد كسانى را كه تو را با دست‌ها و زبان‌هايشان كشتند.

پس دو رکعت نماز بکن اگر توانستی در رکعت اول حمد و سوره‌ی «یس» و در رکعت دوم حمد و سوره‌ی «الرّحمن»، و با گفتن دعای زیر، جایگاه نمازی را که بعد از هر زیارت می‌خوانی متوجه باش و پس از خواندن نماز با خواندن دعا زیر اولاً: شرایط را فراهم می‌کنی که زیارتت مورد قبول پروردگار قرار گیرد و در همین راستا از خدا تقاضا می‌کنی؛ «تَقَبَّلَها منّی». ثانیاً: از خداوند در راستای این زیارت تقاضای مقام محسنین را می‌کنی. رسول خدا در توصیف مقام محسنین می‌فرمایند: «اَلْإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاك‏»(بحارالأنوار، ج‏67، ص196) احسان عبارت است از آن‌که خدا را طوری عبادت کنی که گویا او را می‌بینی و اگر او را نمی‌بینی متوجه باشی او تو را می‌بیند. این آن مقامی است که بعد از نماز زیارت از خداوند تقاضا می‌کنی و بعد متذکر می‌شوی که مقصد تو در این نماز رجوع به خدا بوده است.

توصیه‌ی ما آن است که این دعا را **بعد از دو رکعت نماز زیارتِ** هرکدام از اولیاء الهی و شهداء بخوانی و امید رسیدن به مقام محسنین را داشته باشی.

 **اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى سَيِّدِي وَ مَوْلاَيَ وَلِيِّكَ علی بن موسی.**

بار خدایا! این دو ركعت نماز هدیه‌ای باشد از طرف من به آقا و مولایم ولیّ تو علی بن موسی

 **اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّي وَ اجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ‏.**

بار خدايا! رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد و آن را از من بپذير و به من به خاطر آن جزا و پاداش محسنین را عطا کن.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتِي وَ أَعْطِنِي سُؤْلِي بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ‏.**

بار خدايا! بر محمّد و آل محمّد رحمت فرست و زيارتم را از من بپذير و تقاضاهایم را به حق محمّد و آل طاهرينش به من عطا فرما.

پیش طبیب هستم و درمان نوشته است درمان برای من رخ جانان نوشته است
فهمید بی‌قراری من علتش چه بود دیدار روی ماه کریمان نوشته است
دستی که لطف کرد مرا نوکرت نوشت برطالع بلند تو سلطان نوشته است
هریک نخ‌اش علاج‌هزاران‌غم است و دزد بر روی‌پرچمی‌که رضاجان نوشته است
این کشور از چهارطرف بیمه‌ی رضاست این را خدا به نقشه‌ی ایران نوشته است
آلوده آمدم که طهارت دهی مرا حق شرح پاکی تو به قرآن نوشته است
رحمت به شیر مادر آن مست شاعری کین بیت را برای تو اینسان نوشته است
ای آبرویِ جن و ملک خاک‌بوسی‌ات عالم فدای جلوه‌ی شمس الشموسی‌ات

پس در حال سجده به پاس آن‌که خداوند تو را مفتخر به زیارت آن امام عزیز کرده است صد مرتبه ذکر «شکراً» را تکرار کن.

عمده آن است که بدانیم بعد از زیارت اولیاء الهی و در کنار قبر شریف آن‌ها در شرایطی قرار داریم که راه اُنس با خدا بسیار گشوده است و جهد کن در دعا و تضرّع و بسیار دعا کن از براى خود و پدر و مادر خود و جمیع برادران مؤمن خود و آنچه خواهى نزد حضرت بمان.

**دعاى بعد از زیارت آن حضرت**

مستحب است که بعد از نماز زیارت امام رضا این دعا بخوانند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الدَّائِمُ فِي مُلْكِهِ الْقَائِمُ فِي عِزِّهِ الْمُطَاعُ فِي سُلْطَانِهِ الْمُتَفَرِّدُ فِي كِبْرِيَائِهِ‏.

پروردگارا همانا از تو درخواست مى‌‏كنم اى خدايى كه سلطنتش ابدى است و در مقام عزت به ذات خود قائم و حكمش در همه‌ی عالم مطاع و در عظمت و كبرايى يكتا است.

**الْمُتَوَحِّدُ فِي دَيْمُومِيَّةِ بَقَائِهِ الْعَادِلُ فِي بَرِيَّتِهِ الْعَالِمُ فِي قَضِيَّتِهِ الْكَرِيمُ فِي تَأْخِيرِ عُقُوبَتِهِ.**‏

 و يگانه و بى‌‏شريك در وجود سرمدى است با عدل در كار خلق خود و دانا در قضاء و قدر خويش است و كريم و مهربان در تأخير عقوبت بندگان است.

**إِلَهِي حَاجَاتِي مَصْرُوفَةٌ إِلَيْكَ وَ آمَالِي مَوْقُوفَةٌ لَدَيْكَ وَ كُلَّمَا وَفَّقْتَنِي مِنْ خَيْرٍ فَأَنْتَ دَلِيلِي عَلَيْهِ وَ طَرِيقِي إِلَيْهِ**‏.

اى خداى من! حاجت‌هايم از هر در منصرف به درگاه كرم توست و آرزوهايم همه متوقف نزد توست‏و هر گاه مرا بر كار خيرى موفق داشتى پس راهنمايم به خير تو شدى بلكه راهم تويى

**يَا قَدِيراً لاَ تَئُودُهُ الْمَطَالِبُ يَا مَلِيّاً يَلْجَأُ إِلَيْهِ كُلُّ رَاغِبٍ.‏**

اى قادرى كه خلق هر قدر از او طلب و درخواست كنند بر اعطاى آن مطلب توانائى، و از كثرت مطالب خلق خستگى و ملال نخواهى يافت، اى دارايى كه هر محتاجى پناه به درگاه تو آورد و راغب عطاى توست.

**مَا زِلْتُ مَصْحُوباً مِنْكَ بِالنِّعَمِ، جَارِياً عَلَى عَادَاتِ الْإِحْسَانِ وَ الْكَرَمِ.‏**

من هميشه با نعمت‌هايت قرين بوده‌‏ام و عادات احسان و لطف و كرمت بر من پى در پى است.

**أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ النَّافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَ قَضَائِكَ الْمُبْرَمِ الَّذِي تَحْجُبُهُ بِأَيْسَرِ الدُّعَاءِ.**

اى خدا! از تو درخواست مى‌كنم به حق قدرت كامل و نافذت در جميع موجودات و قضاى مقطوعت كه به دعايى آسان مستور مى‌گردانى.

**وَ بِالنَّظْرَةِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْجِبَالِ فَتَشَامَخَتْ وَ إِلَى الْأَرَضِينَ فَتَسَطَّحَتْ وَ إِلَى السَّمَاوَاتِ فَارْتَفَعَتْ وَ إِلَى الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ.**‏

 و بدان نظر عنايتى كه به كوه‌ها كردى آن‌ها را رفيع ساختى و به زمين نمودى آن را مسطح گردانيدى و به آسمان‌ها نمودى و رفعت بدان‌ها بخشيدى و به درياها انداختى و به جريان و تموج آوردى.

**يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوَاتِ لَحَظَاتِ الْبَشَرِ وَ لَطُفَ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكَرِ.**

اى آن‌كه بزرگ‌ترى از قواى ادراكى بشر و لطيف‌ترى از آن‌كه به فكر و انديشه‌ی احدى خطور كنى.

**لاَ تُحْمَدُ يَا سَيِّدِي إِلاَّ بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ يَقْتَضِي حَمْداً وَ لاَ تُشْكَرُ عَلَى أَصْغَرِ مِنَّةٍ إِلاَّ اسْتَوْجَبْتَ بِهَا شُكْراً.**

كسى ثناء و حمد تو را جز به توفيق تو نتواند و آن توفيق باز مستوجب حمد ديگرى است، و كسى شكر تو بر كوچك‌ترين نعمتت نتواند، مگر آن‌كه مستوجب شكر ديگرى باشى.

**فَمَتَى تُحْصَى نَعْمَاؤُكَ يَا إِلَهِي وَ تُجَازَى آلاَؤُكَ يَا مَوْلاَيَ وَ تُكَافَأُ صَنَائِعُكَ‏.**

بارى اى خداى من كى توان نعمت‌هاى بى‏حد و نهايتت را به‌شمار آورد، و بر آن نعم و آلاء سپاس‌گزارى كرد و صنايع و عطاياى تو را كى تواند خلق از عهده‌ی عوض و تكافى‏ء آن برآيد.

**يَا سَيِّدِي وَ مِنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ وَ مِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ.‏**

اى سيد من در صورتى كه به نعمت‌هاى تو حمد و ستايش گزارانت حمد و ستايش تو گويند.

**وَ أَنْتَ الْمُعْتَمَدُ لِلذُّنُوبِ فِي عَفْوِكَ وَ النَّاشِرِ عَلَى الْخَاطِئِينَ جَنَاحَ سِتْرِكَ.‏**

تويى كه بر عفو و بخششت معصيت‌كاران اعتماد دارند و تويى كه پر و بال پرده‌پوشى و عفوت بر سر خطاكاران گسترده است.

**وَ أَنْتَ الْكَاشِفُ لِلضُّرِّ بِيَدِكَ فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفَاهَا حِلْمُكَ حَتَّى دَخِلَتْ وَ حَسَنَةٍ ضَاعَفَهَا فَضْلُكَ حَتَّى عَظُمَتْ عَلَيْهَا مُجَازَاتُكَ‏.**

و تو غم و رنج و آلام خلق را به‌دست لطف برطرف مى‏سازى و چه بسيار گناهان را حلم تو پنهان كرده تا محو و نابود گردانيد و چه حسناتى را كه تو چندين برابر كردى تا آن‌كه پاداش تو بر آن عظيم گشت.

جَلَلْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلاَّ الْعَدْلُ وَ أَنْ يُرْجَى مِنْكَ إِلاَّ الْإِحْسَانُ وَ الْفَضْلُ.‏

و از آن بزرگ‌تر و برترى كه از غيرعدالتت ترسان باشند و تو كريم‌تر از آنى كه خلق جز فضل و احسان از تو اميد دارند.

**فَامْنُنْ عَلَيَّ بِمَا أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ وَ لاَ تَخْذُلْنِي بِمَا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ‏.**

پس اى خدا بر من منت گذار به چيزى كه مقتضاى فضل و كرم توست و به عدل خود مرا خوار مگردان.

**سَيِّدِي لَوْ عَلِمَتِ الْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي أَوِ الْجِبَالُ لَهَدَّتْنِي أَوِ السَّمَاوَاتُ لاَخْتَطَفَتْنِي.**

اى آقاى من اگر زمين آگه از گناهان من بود مرا در قعر خود فرو مى‌برد و اگر كوه‌ها مطلع بود بر سر من خراب مى‏شد و اگر آسمان‌ها مرا قطعه قطعه کنند.

**أَوِ الْبِحَارُ لَأَغْرَقَتْنِي سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي مَوْلاَيَ مَوْلاَيَ مَوْلاَيَ‏.**

و اگر درياها مرا غرق مى‏كرد اى آقاى من اى آقاى من اى آقاى من اى مولاى من اى مولاى من اى مولاى من.

**قَدْ تَكَرَّرَ وُقُوفِي لِضِيَافَتِكَ فَلاَ تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْأَلَتِكَ‏**

چه بسيار به درگاهت به مهمانى آمدم پس مرا از آن‌چه به سائلان درگاهت كه به سؤال متعرض احسان تواند وعده فرمودى محروم مساز.

**يَا مَعْرُوفَ الْعَارِفِينَ يَا مَعْبُودَ الْعَابِدِينَ يَا مَشْكُورَ الشَّاكِرِينَ يَا جَلِيسَ الذَّاكِرِينَ‏**

اى مشهود عارفان و اى معبود اهل عبادت و معرفت و مشكور سپاسگزاران اى همنشين يادكنندگان از تو.

**يَا مَحْمُودَ مَنْ حَمِدَهُ يَا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ يَا مَوْصُوفَ مَنْ وَحَّدَهُ يَا مَحْبُوبَ مَنْ أَحَبَّهُ‏.**

و اى پسند خاطر آن‌كه تو را حمد و ثنا گويد، اى موجود حاضر براى هركه تو را طلبد، اى شناخته شده نزد آن‌كه تو را به وحدانيت شناخت و اى محبوب آن‌كه تو را دوست دارد.

**يَا غَوْثَ مَنْ أَرَادَهُ يَا مَقْصُودَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْهِ‏**

اى پناه آن‌كه تو را خواهد اى مقصود آن‌كه به درگاه تو رجوع و انابه كند.

**يَا مَنْ لاَ يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلاَّ هُوَ يَا مَنْ لاَ يَصْرِفُ السُّوءَ إِلاَّ هُوَ يَا مَنْ لاَ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلاَّ هُوَ.**

اى خدايى كه به علم غيب عالم كس جز تو آگاه نيست اى خدايى كه جز تو كسى برطرف‌كننده‌ی رنج و آلام خلق نيست، اى كسى كه تدبير امور عالم تنها به‌دست توست.

**يَا مَنْ لاَ يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلاَّ هُوَ يَا مَنْ لاَ يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلاَّ هُوَ يَا مَنْ لاَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ إِلاَّ هُوَ.**

اى كسى كه گناه خلق را جز تو كسى نتواند بخشيد اى كسى كه خلق عالم را بيافريد اى كسى كه جز تو كسى باران را نبارد.

**صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ‏.**

درود فرست بر محمد و آل اطهارش و مرا بيامرز اى بهترين آمرزندگان.

**رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ حَيَاءٍ وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَجَاءٍ وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِنَابَةٍ.**

پروردگارا! همانا من از تو آمرزش مى‏طلبم از راه حيا و شرمسارى و باز آمرزش مى ‏طلبم به طريق رجا و اميدوارى و باز آمرزش مى ‏طلبم از روى توبه و انابه و بازگشت به درگاه تو.

**وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَغْبَةٍ وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَهْبَةٍ.** و آمرزش مى‏‌طلبم با حال شوق و رغبت و آمرزش مى ‏طلبم با حال خوف و ترس.

**وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ طَاعَةٍ وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِيمَانٍ وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِقْرَارٍ.**

و استغفار مى‏‌كنم از روى طاعت و بندگى تو و آمرزش مى‌طلبم از روى ايمان به تو و آمرزش مى‏‌طلبم با حال اقرار و اعتراف به گناه.

**وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِخْلاَصٍ وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ تَقْوَى‏.** و آمرزش مى‏ طلبم از روى اخلاص و آمرزش مى ‏طلبم از روى تقوى و پارسايى.

**وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ تَوَكُّلٍ وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ ذِلَّةٍ.** و آمرزش مى‏ طلبم از روى توكل به خدا و آمرزش مى‏ طلبم از روى ذلت و مسكنت.

**وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ عَامِلٍ لَكَ هَارِبٍ مِنْكَ إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**

و استغفار مى ‏كنم استغفار كسى كه براى تو به كار پرداخته و از تو بسوى تو مى ‏گريزد پس خدايا درود فرست بر محمد و آل محمد

**وَ تُبْ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ بِمَا تُبْتَ وَ تَتُوبُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ‏.**

و بر من و والدينم به قبول توبه و مغفرت و آمرزش باز گرد بدان قسمى كه توبه جميع خلق خود را مى ‏پذيرى اى مهربان‌ترين مهربانان عالم.

**يَا مَنْ يُسَمَّى بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ يَا مَنْ يُسَمَّى بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ يَا مَنْ يُسَمَّى بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ.‏**

اى آن‌كه به نام غفور و رحيم ناميده مى‌‏شوى، اى آن‌كه به نام غفور و رحيم ناميده مى‏‌شوى، اى آن‌كه به نام غفور و رحيم ناميده مى‏‌شوى.

**صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ اشْكُرْ سَعْيِي وَ ارْحَمْ ضَرَاعَتِي.‏**

درود فرست بر محمّد و آل او و توبه مرا بپذير و عملم را پاكيزه دار و بر سعى و كوششم پاداش عطا فرما و به تضرع و زاريم ترحم كن.

**وَ لاَ تَحْجُبْ صَوْتِي وَ لاَ تُخَيِّبْ مَسْأَلَتِي يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ.‏**

و صداى دعايم را از سمع قبول خود دور و مستور مساز و سؤال و درخواستم را عطا كن و محروم و نااميدم مگردان اى پناه بخش فرياد خواهان.

**وَ أَبْلِغْ أَئِمَّتِي سَلاَمِي وَ دُعَائِي وَ شَفِّعْهُمْ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَ أَوْصِلْ هَدِيَّتِي إِلَيْهِمْ كَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ‏ وَ زِدْهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا يَنْبَغِي لَكَ بِأَضْعَافٍ لاَ يُحْصِيهَا غَيْرُكَ**‏.

و سلام و دعايم را به امامان و پيشوايانم برسان و در آن‌چه از تو درخواست كردم آن بزرگواران را شفيع من گردان و هديه مرا به آن بزرگواران چنان‌كه لايق آن‌هاست واصل ساز و بر آن هديه آن‌چه سزاوار كرم توست هم چندين برابر كه جز تو كسى شمارشش نداند بيفزا.

**وَ لاَ حَوْلَ وَ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ‏.**

كه هيچ قدرت و نيرويى جز به‌واسطه‌ی خداى بلندمرتبه بزرگ نخواهد بود و خدا درود و رحمت فرستد بر نيكوترين پيغمبران محمد و آل اطهار او.

از جمله زیاراتی که در حرم همه‌ی امامان معصوم وسیله‌ی قرب به مقام آن واسطه‌های فیض می‌تواند باشد؛ زیارت «امین اللّه» و زیارت «جامعه‌ی کبیره» و زیارت «عالیة المضامین» می‌باشد که متن آن دو زیارت در آخر این نوشتار قرار دارد. و از نمازهای مستحبی در حرم حضرت رضا نماز جعفر طیّار است که کیفیت آن نیز در آخر نوشتار آمده است.

لعنت كردن بر قاتلان ائمه به هر زبانى انجام گيرد خوب است‏ و اگر زائرين اين عبارت را كه از بعضى دعاها گرفته شده بخواند، شايد مناسب‏تر باشد:
 **اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَتَلَةَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَ قَتَلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ.**

خدايا قاتلان امير مؤمنان، و قاتلان حسن و حسين(درود بر ايشان) و قاتلان اهل بيت‏ پيامبرت را لعنت كن.

 **اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَتَلَتَهُمْ وَ زِدْهُمْ عَذَابا فَوْقَ الْعَذَابِ وَ هَوَانا فَوْقَ هَوَانٍ وَ ذُلا فَوْقَ ذُلٍّ وَ خِزْيا فَوْقَ خِزْيٍ.**

خدايا دشمنان و قاتلان خاندان محمّد را لعنت كن، و بر آنان بيفزا عذابى بر عذاب، و خوارى‏ بر خوارى، و زبونى بر زبونى، و رسوايى بر رسوايى.

 **اللَّهُمَّ دُعَّهُمْ إِلَى النَّارِ دَعّا وَ أَرْكِسْهُمْ فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسا وَ احْشُرْهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرا.**

خدايا! آنان را به سوى آتش پرتاب كن پرتابى سخت، و در عذاب دردناكت نگونسارشان گردان نگونسارى شديد، و ايشان و پيروان‌شان را گروه‏گروه به سوى دوزخ محشور كن.

این آفتاب مشرقی بی کسوف را ای ماه! سجده آر و بسوزان خسوف را
"لا تقربوا الصلوة..." مخوان و به هم مزن این مستی به هم زده نظم صفوف را
نقّاره‌ها به رقص کشند اهل زهد را شاعر کند خیال تو هر فیلسوف را
می ترسم از صفای حرم با خبر شود حاجی و نیمه‌کاره گذارد وقوف را
این واژه‌ها کم‌اند برای سرودنت باید خودم دوباره بچینم حروف را
روح القدس! بیا نفسی شاعری کنیم خورشید چشم‌های امام رئوف را

**زیارت وداع حضرت امام رضا**

و چون خواستى وداع كنى آن حضرت را پس بگو:

**اَلسَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ‏**

سلام بر تو اى ولى خدا و درود و رحمت و بركات خداى بر تو باد

**اللَّهُمَّ لاَ تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ وَ حُجَّتَكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ اجْمَعْنِي وَ إِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ‏.**

بارالها! اين را آخرين زيارت من از فرزند پيغمبرت و حجت تو بر خلقت قرار مده و مرا با او در بهشتت جمع گردان.

**وَ احْشُرْنِي مَعَهُ وَ فِي حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً.**

و در قيامت با او و حزبش كه از شهداء و شايستگان هستند محشور فرماى و چه نيكو رفيقانى هستند.

**وَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَ أَسْتَرْعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلاَمَ‏.**

و تو را به خدا مى ‏سپارم و طلب رعايت فرمان تو نمايم و بر تو سلام گويم.

**آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهِ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ‏.**

به خداى بزرگ ايمان داريم ‏و به رسولش و بدانچه آمدى بدان و دلالت بر آن فرمودى پس ما را از گواهان بنويس.

**زیارت وداع ائمه**:

 با توجه به جامعیتی که این وداع دارد، خوب است در ادامه این‌طور وداع را ادامه دهی و بگویی:

 **السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنَ الرِّسَالَةِ.**

سلام و درود بر شما اى اهل بيت نبوّت، و معدن رسالت.

**سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَ لا قَالٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ** **إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.** سلام و درودِ وداع‏كننده نه به ستوه آمده و عصبانى، و رحمت و بركات خدا بر شما اهل بيت، به درستى كه خدا،ستوده و بزرگوار است.

 **سَلامَ وَلِيٍّ غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ وَ لا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ وَ لا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ وَ لا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ وَ لا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ.**

سلام و وداعِ دوستى كه نه روگردان از شما، و نه منحرف از شماست، و نه عوض‏كننده شما، و نه پيش‏اندازه كسى بر شما، و نه بى‏رغبت به قرب شما.

 **لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ وَ إِتْيَانِ مَشَاهِدِكُمْ.**

خدا اين زيارت را آخر زيارت قبورتان، و آمدن به زيارتگاه‌هايتان قرار ندهد.

 **وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ حَشَرَنِيَ اللَّهُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ أَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ وَ أَرْضَاكُمْ عَنِّي.**

سلام بر شما، و خدا مرا در گروه شما محشور كند، و به حوض شما وارد نمايد، و شما را از من خشنود سازد.

**وَ مَكَّنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ وَ أَحْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ وَ مَلَّكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ وَ شَكَرَ سَعْيِي لَكُمْ وَ غَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ.**

و تمكّنى در دولت شما به من بدهد، و در بازگشت شما زنده‏ام كند، و مرا در ايّام‏ شما فرمانروايم فرمايد، و كوششم را براى شما قدردانى كند، و به شفاعت شما گناهانم را بيامرزد.

 **وَ أَقَالَ عَثْرَتِي بِحُبِّكُمْ وَ أَعْلَى كَعْبِي بِمُوَالاتِكُمْ وَ شَرَّفَنِي بِطَاعَتِكُمْ وَ أَعَزَّنِي بِهُدَاكُمْ.** و به محبت شما لغزشم را ناديده بگيرد، و به دوستى شما مقامم را بلند گرداند، و به طاعت شما مفتخرم نمايد، و به هدايت شما عزيزم كند.

**وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحا مُنْجِحا سَالِما غَانِما مُعَافا غَنِيّا فَائِزا بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ كِفَايَتِهِ.**

و قرارم دهد از كسانى كه بازگرداند رستگار، كامياب، سالم، بهره‏مند با عافيت، توانگر، و رسيده به خشنودى خدا و فضل و كفايتش.

**بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُوَّارِكُمْ وَ مَوَالِيكُمْ وَ مُحِبِّيكُمْ وَ شِيعَتِكُمْ.**

به برترين وضعى كه بازگردد به آن، يكى از زائران و دوستداران و عاشقان و شيعيان شما.

**وَ رَزَقَنِيَ اللَّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ مَا أَبْقَانِي رَبِّي بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ إِيمَانٍ وَ تَقْوَى وَ إِخْبَاتٍ وَ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ.**

و خدا نصيبم كند بازگشت به اين حرم را، سپس بازگشت‏ و باز هم بازگشت تا باقى‏ام داشته پروردگارم به نيّت صادقانه و ايمان و تقوا، و فروتنی و روزى گسترده حلال پاك.

**اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ وَ الصَّلاةِ عَلَيْهِمْ وَ أَوْجِبْ لِيَ الْمَغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الْخَيْرَ وَ الْبَرَكَةَ وَ النُّورَ وَ الْإِيمَانَ وَ حُسْنَ الْإِجَابَةِ.**

خدايا! قرار مده اين زيارت را آخرين زيارت من از ايشان و ذكر ايشان، و درود بر ايشان، و براى من واجب‏ گردان آمرزش و رحمت و خير و بركت و نور و ايمان و حسن اجابت، چنان‏كه براى اوليائت واجب‏ نمودى**.**

 **كَمَا أَوْجَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ وَ الرَّاغِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَ إِلَيْهِمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ أَهْلِي.**

آن آگاهان به حق ايشان و واجب‏شمارندگان طاعت آنان، و مشتاقان در زيارت ايشان، و تقرّب‏كنندگان‏ به تو و به سوى ايشان، پدر و مادرم و خودم و مال و خاندانم فداى شما.

 **اجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ وَ صَيِّرُونِي فِي حِزْبِكُمْ وَ أَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ وَ اذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ.**

مرا از جمله انديشه‏هاي‌تان قرار دهيد، و از حزب‏ خودتان گردانيد، و در شفاعت‌تان واردم كنيد، و نزد پروردگارتان يادم نماييد.

 **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَبْلِغْ أَرْوَاحَهُمْ وَ أَجْسَادَهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلاما وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.**

خدايا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و از جانب من بر ارواح و اجسادشان برسان، تحيّت و درود بسيار، و سلام و رحمت و بركات خدا بر شما باد.

**با این زمزمه، وداع را به انتهاء برسان و بگو:**

دل بسته‌ام، مرا ز سرِ خویش وا مکن از من، مرا جدا کن و از خود، جدا مکن

هرگز نگویمت که بیا دستِ من بگیر گویم گرفته‌ای ز عنایت، رها مکن

من با تو پیش از آمدنم آشنا شدم ای آشنا مفارقت از آشنا مکن

تنها بود به‌دست تو طومار جُرم من این مشتِ بسته را به برِ خلق وا مکن

درمانِ درد من نبود غیر درد عشق این درد را ز لطف بیفزا دوا مکن

در من اگر سعادت ترک خطا نبود در تو کرامت است تو ترک عطا مکن

خواهی اگر ز لطف به من اعتنا کنی دیگر به کثرت گنهم اعتنا مکن

نزد کریم فرق ندارند خوب و بد یکجا قبول کن همگان را، سَوا مکن

عمری به زخمِ تیر بلا سینه‌ام بسوز آنی به هجر خویش مرا مبتلا مکن

**زیارت امین اللّه**

حضرت امام محمّد باقر فرمودند هرکه از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمومنین یا نزد قبر یکى از ائمه بخواند، البته حقّ تعالى این زیارت و دعای او را در نامه‌اى از نور بالا برد.

 خوب است که «زائر» در محضر هر امامی در فرصت مناسب این زیارت را که شامل معارف و مناجات بس گرانقدری با حضرت رب‌العالمین است؛ بخواند. در آن دعا طوری «زائر» به ملاقات خدا دست می‌یابد که به جای آن‌که از خدا چیزی بخواهد؛ راضی‌شدن از خدا را طلبِ خود قرار می‌دهد، زیرا خدا است که مقصد و مقصود هرکسی است. راستی را، اگر کسی به مقصد رسید، جای دیگری باید برود؟!! «سوار چون‌که به منزل رسد، پیاده شود».

قلبی شکست و دور و برش را خدا گرفت نقاره می‌زنند ... مریضی شفا گرفت

دیدی که سنگ در دل آیینه آب شد دیدی که آب، حاجت آیینه را گرفت

خورشید آمد و به ضریح تو سجده کرد این‌جا برای صبح خودش روشنا گرفت

پیغمبری رسید و در این صحن پر ز نور در هر رواق خلوت غار حرا گرفت

از آن طرف فرشته‌ای از آسمان رسید پروانه‌وار گشت و سلام مرا گرفت

زیر پرش نهاد و به سمت خدا پرید تقدیم حق نمود و سپس ارتقا گرفت

خورشید آمد و به ضریح تو سجده کرد این‌جا برای صبح خودش روشنا گرفت

**اَلسَّلامُ عَلَیک یا امینَ اللَّهِ فى اَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلى عِبادِهِ**

 سلام بر تو اى امانتدار خدا در زمین او و حجتش بر بندگان او. او امین الهی در دین و در سرّ و در خلق می‌باشد. خلق خدا باید در اختیار امام معصوم باشد که امین اللّهِ مطلق است. زیرا خداوند سرّش را به او سپرده و حجت او است بر بندگانش، و از این جهت خداوند به او احتجاج می‌کند اگر مردم از امام معصوم عدول کنند.

**اَلسَّلامُ عَلَیک یا علی بن موسی الرضا اَشْهَدُ اَنَّک جاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ وَ عَمِلْتَ بِکتابِهِ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ.**

سلام بر تو اى - نام آن امام را اظهار کن و بگو- گواهى دهم که تو در راه خدا جهاد کردى و چنانچه باید به کتاب خدا رفتار کردى و پیروى کردى از سنت‌هاى پیامبرش. و به لحاظ سلوکی و توحیدی آن‌طور که نهایت جهاد با نفس و ظلمات است، مجاهده‌ی نفس نمودی و مقیّد به شریعت الهی بودی و تنها سنت نبیّ الهی را انجام دادی، نه سنت کسانی که به ناحق به جای رسول اللّه قرار گرفتند.

**حَتّى دَعاک اللَّهُ اِلى جِوارِهِ فَقَبَضَک اِلَیهِ بِاخْتِیارِهِ وَ اَ لْزَمَ اَعْدائَک الْحُجَّةَ مَعَ مالَک مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى جَمیعِ خَلْقِهِ**

تا در مسیر مجاهدت در مسیر الهی و عمل به کتاب الهی تا آن‌جا ادامه دادی که خداوند تو را به جوار خویش دعوت فرمود و به اختیار خودش جانت را قبض نمود - تو را با اختیار خود برد، نه به خاطر اتفاقی که ابن‌ملجم ها گمان کردند شما را از صحنه خارج کردند- و ملزم کرد دشمنانت را به حجت و برهانی که تو آن حجت و برهان بودی و حتی ابن‌ملجم ها هم خبر داشتند که تو حجّت خدایی.[[1]](#footnote-1)

«زائر» از این مرحله به بعد؛ یک‌مرتبه به طلبِ سلوکی بسیار متعالی منتقل می‌شود و اظهار می‌دارد:

**اَللّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسى مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِک** خدایا نفس مرا نسبت به مقدّراتت که برایم رقم زده‌ای، با معرفتی ناب مطمئن گردان.

 **راضِیةً بِقَضاَّئِک** و به قضای خود راضی گردان . تا هرآن‌چه را تو برایم مصلحت دانسته‌ای، را با رضایت خاطر بپذیرم.

**مُولَعَةً بِذِکرِک وَ دُعاَّئِک** تشنه‌ی ذکر و دعا و نجوایِ با تو باشم همراه با عشقی حقیقی و توحیدی ناب.

**مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِیاَّئِک مَحْبُوبَةً فى اَرْضِک وَ سَماَّئِک** نفسی به من عطا کن که دوست‌دارِ اولیاء تو باشد و در عین حال مرا از اولیاء خود قرار ده تا در زمین و آسمان محبوبِ اولیاء‌ات قرار گیرم.

**صابِرَةً عَلى نُزُولِ بَلاَّئِک شاکرَةً لِفَواضِلِ نَعْماَّئِک ذاکرَةً لِسَوابِغِ آلائِک»** بر بلاهایی که برایم تقدیر کرده‌ای، شکیبایی و پختگی نشان دهم. شاکر نعمت‌های زیبای تو و مدیون نعمت‌هایت باشم. یادآورِ نعمت‌های کامل و تمام تو باشم.

**مُشْتاقَةً اِلى فَرْحَةِ لِقاَّئِک** مشتاق شیرینی لقایِ خوش تو باشم.

**مُتَزَوِّدَةً التَّقْوى لِیوْمِ جَزاَّئِک** تقوا را برای روز جزای تو به عنوان توشه‌ای برگیرم. **مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِیاَّئِک. مُفارِقَةً لاَِخْلاقِ اَعْدائِک مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْیا بِحَمْدِک وَ ثَناَّئِک** پیرو سنت‌های اولیاء تو باشم. از هر آن‌چه دشمنان تو بدان مشغولند، فاصله داشته باشم. در دنیا و آخرت مشغول ثنا و حمد تو باشم.

«زائر» در این فراز با دل‌دادگیِ کامل سعی دارد از هر آن‌چه او را به دنیا مشغول می‌کند و از خدا وامی‌دارد، عبور نماید و بعد از آن وضع او آن‌چنان دگرگون می‌گردد که با زبان دیگر یعنی زبانِ بی‌تابانه در محضر آن امام معصوم سخن می‌راند و اظهار می‌دارد:

**اَللّهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتینَ اِلَیک والِهَةٌ وَسُبُلَ الرّاغِبینَ اِلَیک شارِعَةٌ وَاَعْلامَ الْقاصِدینَ اِلَیک واضِحَةٌ وَاَفْئِدَةَ الْعارِفینَ مِنْک فازِعَةٌ وَاَصْواتَ الدّاعینَ اِلَیک صاعِدَةٌ وَاَبْوابَ الاِْجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاک مُسْتَجابَةٌ وَتَوْبَةَ مَنْ اَنابَ اِلَیک مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَکى مِنْ خَوْفِک مَرْحُومَةٌ وَالاِْغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِک مَوْجُودَةٌ وَالاِْعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِک مَبْذُولَةٌ**

خداوندا! قلب مشتاقان به تو سختْ سرگردان تو است و هرکس به تو رغبت داشته باشد، بدون هیچ فاصله‌ای راهش به سوی تو باز است و نشانه‌های آمدن به سوی تو واضح و روشن است و دلِ آن کس که تو را شناخت، از تو هراسان است و هرکس به سوی تو دعا کرد، دعایش بالارونده است و درهای اجابت برای این افراد گشوده است و دعوت آن‌کس که با تو سخن بگوید، مستجاب است و توبه‌ی کسی که به سوی تو توبه کند، قبول و پذیرفته است و اشگ آن کس که از خوف تو اشگ بریزد، مورد رحمت است و دادرسی برای کسی که به تو استغاثه کند، موجود. و کمک برای کسی که از تو کمک بخواهد، فراوان.

**وَعِداتِک لِعِبادِک مُنْجَزَةٌ وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَک مُقالَةٌ وَ اَعْمالَ الْعامِلینَ لَدَیک مَحْفُوظَةٌ وَ اَرْزاقَک اِلَى الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْک نازِلَةٌ وَ عَواَّئِدَ الْمَزیدِ اِلَیهِمْ واصِلَةٌ وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرینَ مَغْفُورَةٌ وَ حَواَّئِجَ خَلْقِک عِنْدَک مَقْضِیةٌ وَ جَواَّئِزَ السّآئِلینَ عِنْدَک مُوَفَّرَةٌ وَ عَواَّئِدَ الْمَزیدِ مُتَواتِرَةٌ وَ مَواَّئِدَ الْمُسْتَطْعِمینَ مُعَدَّةٌ وَ مَناهِلَ الظِّماَّءِ مُتْرَعَةٌ**

و وعده‌هایى که به بندگانت دادى وفایش حتمى است، و لغزش کسى که از تو پوزش طلبد بخشوده است و کارهاى آنان‌که براى تو کار کنند در نزد تو محفوظ است و روزی‌هایى که به آفریدگانت دهى از نزدت ریزان است و بهره‌هاى بیشترى هم به سوی‌شان مى‌رسد و گناه آمرزش‌خواهان(از تو) آمرزیده است و حاجت‌هاى آفریدگانت نزد تو روا شده است و جایزه‌هاى سائلان در پیش تو شایان و وافر است و بهره‌هاى فزون پیاپى است و خوان‌هاى احسان تو براى طعام‌خواهان آماده است و حوض‌هاى آب براى تشنگان لبریز است.

**اَللّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعاَّئى وَاقْبَلْ ثَناَّئى وَاجْمَعْ بَینى وَبَینَ اَوْلِیاَّئى بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِىٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَینِ اِنَّک وَلِىُّ نَعْماَّئى وَمُنْتَهى مُناىَ وَغایةُ رَجائى فى مُنْقَلَبى وَمَثْواىَ**

پس خدایا دعایم را مستجاب کن و بپذیر مدح و ثنایم را و گردآور میان من و دوستانم به حق محمد و على و فاطمه و حسن و حسین که به راستى تویى صاحب نعمت‌هایم، و منتهاى آرزویم، و سرحد نهایى امیدم، و بازگشتگاه و اقامتگاهم.

**اَنْتَ اِلهى وَسَیدى وَمَوْلاىَ** تویى معبود و آقا و مولاى من.

**اِغْفِرْ لاَِوْلِیاَّئِنا وَ کفَّ عَنّا اَعْداَّئَنا وَاشْغَلْهُمْ عَنْ اَذانا وَاَظْهِرْ کلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْیا وَ اَدْحِضْ کلِمَةَ الْباطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلى اِنَّک عَلى کلِّشَىءٍْ قَدیرٌ**

بیامرز دوستان ما را و بازدار از ما دشمنان‌مان را و سرگرمشان کن از آزار ما و آشکار کن گفتار حق را و آن را برتر قرار ده و از میان ببر گفتار باطل را و آن را پست گردان که به راستى تو بر هرچیز توانایى.

**دعای عالیة المضامین**

با توجه به شرایط دعا خوب است دعای زیر را که مشهور است به دعای «عالیة المضامین» بعد از هر زیارت بخوانید. دعائى است با مضامین عالیه که بعد از زیارت هر یک از ائمه خوانده مى شود. و آن دعاى شریف این است:

**اللّهُمَّ اِنّى زُرْتُ هذَا الاِْمامَ.** خدایا من زیارت کردم این امام را.

**مُقِّراً بِاِمامَتِهِ مُعْتَقِداً لِفَرْضِ طاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبى**

در حالى‌که اقرار به امامتش دارم و معتقدم که اطاعتش بر من واجب است و با این حال آهنگ زیارتگاهش را کردم با گناهانى که دارم.

**وَ عُیُوبى وَ مُوبِقاتِ آثامى وَ کَثْرَةِ سَیِّئاتى وَ خَطایاىَ وَ ما تَعْرِفُهُ مِنّى**

و با عیوب و جرم‌هاى هلاکت بارم و بدی‌هاى بسیار و خطاکارى‌هایم و آنچه تو خود مى‌دانى.

**مُسْتَجیراً بِعَفْوِکَ مُسْتَعیذاً بِحِلْمِکَ راجِیاً رَحْمَتَکَ لاجِئاً اِلى رُکْنِکَ عآئِذاً بِرَاْفَتِکَ.** و پناه آورده‌ام به گذشتت و به بردباریت و امیدوارم به رحمتت و ملتجى گشته‌ام به پایه و اساس مرحمتت و پناهنده‌ام به مهرت.

**مُسْتَشْفِعاً بِوَلِیِّکَ وَابْنِ اَوْلِیآئِکَ وَ صَفِیِّکَ وَابْنِ اَصْفِیآئِکَ وَ اَمینِکَ وَابْنِ اُمَنائِکَ وَ خَلیفَتِکَ وَابْنِ خُلَفائِکَ**

و شفیع گرفته‌ام ولى تو و فرزند اولیائت را و برگزیده‌ات و پدر برگزیدگانت را و امین تو و فرزند امانتدارانت را و جانشین تو و فرزند جانشینانت را.

**الَّذینَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسیلَةَ اِلى رَحْمَتِکَ وَ رِضْوانِکَ وَالذَّریعَةَ اِلى رَاْفَتِکَ وَ غُفْرانِکَ.** آنان‌که قرارشان دادى وسیله‌اى به سوى رحمت و خوشنودیت و واسطه‌اى براى مهر و آمرزشت.

**اَللّهُمَّ وَ اَوَّلُ حاجَتى اِلَیْکَ اَنْ تَغْفِرَ لى ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبى عَلى کَثْرَتِها**

خدایا نخستین حاجتم به درگاه تو این است که بیامرزى گناهان گذشته‌ام را با بسیارى آن‌ها

**وَ اَنْ تَعْصِمَنى فیما بَقِىَ مِنْ عُمْرى وَ تُطَهِّرَ دینى مِمّا یُدَنِّسُهُ وَ یَشینُهُ وَ یُزْرى بِهِ وَ تَحْمِیَهُ مِنَ الرَّیْبِ وَالشَّکِ وَالْفَسادِ وَالشِّرْکِ**

و نگاهم دارى از گناه در باقیمانده‌ی عمرم و پاک کنى دین و آئین مرا از آنچه آلوده و چرکینش کند و معیوبش سازد و نگاهداریش کنى از شک و شبهه و فساد و شرک.

**وَ تُثَبِّتَنى عَلى طاعَتِکَ وَطاعَةِ رَسُولِکَ وَذُرِّیَّتِهِ النُّجَبآءِ السُّعَدآءِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ وَرَحْمَتُکَ وَسَلامُکَ وَبَرَکاتُکَ**

و استوارم بدارى بر فرمانبردارى خود و فرمانبردارى پیامبرت و فرزندان نجیب و سعادتمندش که درودهاى تو و رحمت و سلام و برکاتت بر ایشان باد.

**وَ تُحْیِیَنى ما اَحْیَیْتَنى عَلى طاعَتِهِمْ وَ تُمیتَنى اِذا اَمَتَّنى عَلى طاعَتِهِمْ**

و زنده‌ام بدارى تا هر قدر که زنده‌ام بر فرمانبرداری‌ِشان و بمیرانیم هرگاه که مُردَم بر فرمانبرداری‌ِشان.

**وَ اَنْ لا تَمْحُوَ مِنْ قَلْبى مَوَدَّتَهُمْ وَ مَحَبَّتَهُمْ وَ بُغْضَ اَعْدائِهِمْ وَ مُرافَقَةَ اَوْلِیآئِهِمْ وَ بِرَّهُمْ** و محو نکنى از دل من دوستى و محبت ایشان و بغض دشمنانشان و رفاقت دوستانشان و نیکى کردن به ایشان را.

**وَ اَسْئَلُکَ یا رَبِّ اَنْ تَقْبَلَ ذلِکَ مِنّى**

و از تو خواهم پروردگارا که بپذیرى این (زیارت و دعا) را از من.

**وَ تُحَبِّبَ اِلىَّ عِبادَتَکَ وَالْمُواظَبَةَ عَلَیْها وَ تُنَشِّطَنى لَها وَ تُبَغِّضَ اِلَىَّ مَعاصیَکَ وَ مَحارِمَکَ** و مرا دوستدار عبادتت کنى و مواظبتم دهى بر آن و به نشاطم آورى براى عبادت و متنفرم کنى از گناهان و محرماتت.

**وَ تَدْفَعَنى عَنْها وَ تُجَنِّبَنِى التَّقْصیرَ فى صَلَواتى وَالاِْسْتِهانَةَ بِها وَالتَّراخِىَ عَنْها**

و بازم دارى از آن‌ها و برکنارم دارى از کوتاهى‌کردن در نمازهایم و سرسرى گرفتن آن و سستى و کاهلى کردن در آن.

**وَ تُوَفِّقَنى لِتَاْدِیَتِها کَما فَرَضْتَ وَاَمَرْتَ بِهِ عَلى سُنَّةِ رَسُولِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ رَحْمَتُکَ وَ بَرَکاتُکَ خُضُوعاً وَ خُشُوعاً.** و موفقم دار براى اداء آن چنان‌چه واجب کرده‌اى و دستور فرموده‌اى به روش پیامبرت که درودهاى تو بر او بادو رحمت و برکاتت بر او و آلش باد با حال خضوع و خشوع.

**وَتَشْرَحَ صَدْرى لاِیْتآءِ الزَّکوةِ وَ اِعْطآءِ الصَّدَقاتِ وَ بَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالاِْحْسانِ اِلى شیعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَ مُواساتِهِمْ.** و دیگر آن‌که سینه‌ام را باز کنى (و بلندى نظر به من دهى) براى پرداختن زکات و دادن صدقات و انجام کار نیک و احسان نسبت به شیعیان آل محمد و مواسات با آن‌ها .

**وَ لا تَتَوَفّانى اِلاّ بَعْدَ اَنْ تَرْزُقَنى حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرامِ وَزِیارَةَ قَبْرِ نَبِیِّکَ وَ قُبُورِ الاَْئِمَّةِ**. و نمیرانیم مگر بعد از این‌که روزیم کنى حج خانه کعبه ات و زیارت قبر پیامبرت و قبور امامان را.

**وَ اَسْئَلُکَ یا رَبِّ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضاها وَ نِیَّةً تَحْمَدُها وَ عَمَلاً صالِحاً تَقْبَلُهُ**

و از تو خواهم پروردگارا توبه حقیقى مورد پسندت را و نیتى که ستوده درگاه تو باشد و کردار شایسته‌اى که تو بپذیرى.

**وَ اَنْ تَغْفِرَ لى وَ تَرْحَمَنى اِذا تَوَفَّیْتَنى وَ تُهَوِّنَ عَلَىَّ سَکَراتِ الْمَوْتِ**

و دیگر آن‌که مرا بیامرزى و به من رحم کنى هنگامى که از این جهان مرا ببرى و آسان کنى بر من سختی‌هاى مرگ را.

**وَ تَحْشُرَنى فى زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ، وَ تُدْخِلَنِى الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ** و محشورم کنى در گروه محمد و آلش که درودهاى خدا بر او و بر ایشان باد، و داخل بهشتم کنى به رحمت خودت.

**وَ تَجْعَلَ دَمْعى غَزیراً فى طاعَتِکَ وَ عَبْرَتى جارِیَةً فیما یُقَرِّبُنى مِنْکَ وَ قَلْبى عَطُوفاً عَلى اَوْلِیآئِکَ** و اشکم را فراوان کنى در انجام طاعتت و سرشکم را ریزان نمائى در آن‌چه مرا به تو نزدیک گرداند و دلم را مهربان کنى نسبت به دوستانت.

**وَ تَصُونَنى فى هذِهِ الدُّنْیا مِنَ الْعاهاتِ وَالاَّْفاتِ وَالاَْمْراضِ الشَّدیدَةِ وَالاَْسْقامِ الْمُزْمِنَةِ وَ جَمیعِ اَنْواعِ الْبَلاَّءِ وَ الْحَوادِثِ.** و نگاهم دارى در این دنیا از آسیب‌ها و آفات و بیماری‌هاى سخت و دردهاى مزمن و از هر نوع بلا و حادثه‌اى.

**وَ تَصْرِفَ قَلْبى عَنِ الْحَرامِ وَ تُبَغِّضَ اِلىَّ مَعاصِیَکَ.** و بگردانى دلم را از توجه به حرام و مبغوض گردانى در نزد من نافرمانی‌هایت را.

**وَ تُحَبِّبَ اِلَىَّ الْحَلالَ وَ تَفْتَحَ لى اَبْوابَهُ وَ تُثَبِّتَ نِیَّتى وَ فِعْلى عَلَیْهَ**

و محبوب گردانى در پیش من حلال را و بگشائى به رویم درهاى آن را و استوار کنى نیّت و کارم را بر آن.

**وَ تَمُدَّ فى عُمْرى وَ تُغْلِقَ اَبْوابَ الْمِحَنِ عَنّى وَلا تَسْلُبَنى ما مَنَنْتَ بِهِ عَلىَّ وَلا تَسْتَرِدَّ شَیْئاً مِمّا اَحْسَنْتَ بِهِ اِلَىَّ وَلا تَنْزِعَ مِنّىِ النِّعَمَ الَّتى اَنْعَمْتَ بِها عَلَىَّ**

و دراز گردانى عمرم را و بربندى به رویم درهاى غم و محنت را و نعمت‌هائى که به من داده از من نگیرى و چیزى از احسان‌هاى (بی‌شمار) خود را از من باز نستانى و جدا نکنى از من نعمت‌هاى(بسیارى) را که به من عنایت فرمودى.

**وَ تَزیدَ فیما خَوَّلْتَنى وَ تُضاعِفَهُ اَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ تَرْزُقَنى مالاً کَثیراً واسِعاً سآئِغاً هَنیئَّاً نامِیاً وافِیاً وَ عِزّاً باقِیاً کافِیاً وَ جاهاً عَریضاً مَنیعاً وَ نِعْمَةً سابِغَةً عآمَّةً**

و بیفزائى بر آنچه به من ارزانى داشتى و مضاعف گردانى آن‌را به چندین برابرو روزیم کنى مالى بسیار و وسیع و ریزان و گوارا و با برکت و رسا، و نیز عزتى باقى و کافى، و آبروئى پهناور و شکوهمند و نعمتى شایان و فراگیرنده.

**وَ تُغْنِیَنى بِذلِکَ عَنِ الْمَطالِبِ الْمُنَکَّدَةِ وَالْمَوارِدِ الصَّعْبَةِ وَتُخَلِّصَنى مِنْها مُعافاً فى دینى وَ نَفْسى وَ وَلَدى وَما اَعْطَیْتَنى وَ مَنَحْتَنى**

و بى‌نیازم کن بدین وسیله از تکاپوهاى پرمشقت و موارد سخت و دشوار و رهائیم دهى از آن‌ها با سلامتى در دین و جان و فرزندانم و چیزهاى دیگرى که به من عطا کرده و ارزانى داشتى.

**وَ تَحْفَظَ عَلَىَّ مالى وَ جَمیعَ ما خَوَّلْتَنى وَ تَقْبِضَ عَنّى اَیْدِىَ الْجَبابِرَةِ وَ تَرُدَّنى اِلى وَطَنى.** و نگه‌ دارى برایم مالم و همه آن‌چه را به من بخشیده‌اى و برگیرى از سر من دست‌هاى گردنکشان را و بازم گردانى به وطنم.

**وَ تُبَلِّغَنى نِهایَةَ اَمَلى فى دُنْیاىَ وَآخِرَتى وَ تَجْعَلَ عاقِبَةَ اَمْرى مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلیمَةً.** و برسانى مرا به نهایت آرزویم در دنیا و آخرتم و بگردانى سرانجام کارم را پسندیده و نیکو و سالم.

**وَ تَجْعَلَنى رَحیبَ الصَّدْرِ واسِعَ الْحالِ و حَسَنَ الْخُلْقِ بَعیداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ وَالنِّفاقِ وَالْکِذْبِ وَالْبُهْتِ وَ قَوْلِ الزُّورِ.** و قرارم دهى فراخ‌سینه و فراخ حال و خوش‌خلقى و دور از بخل و ممانعت و نفاق و دروغ و بهتان و زورگوئى.

**وَ تُرْسِخَ فى قَلْبى مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ شیعَتِهِمْ**

و ریشه‌دار کنى در دلم دوستى محمد و آل محمد و شیعیانشان را

**وَ تَحْرُسَنى یا رَبِّ فى نَفْسى وَاَهْلى وَ مالى وَ وَلَدى وَ اَهْلِ حُزانَتى وَ اِخْوانى وَ اَهْلِ مَوَدَّتى وَ ذُرِّیَّتى بِرَحْمَتِکَ وَجُودِکَ**

و محافظتم کنى پروردگارا در جانم و خاندان و مال و فرزندان و نان‌خوران و برادران و دوستان و نژادم به مهر و جودت.

**اَللّهُمَّ هذِهِ حاجاتى عِنْدَکَ وَ قَدِ اسْتَکْثَرْتُها لِلُؤْمى وَ شُحّى**

خدایا این‌ها بود حاجت‌هایى که من به درگاه تو دارم و این‌که زیادشان کردم به خاطر گداصفتى و حرص زیادى است که من دارم.

**وَ هِىَ عِنْدَکَ صَغیرَةٌ حَقیرَةٌ وَ عَلَیْکَ سَهْلَةٌ یَسیرَةٌ.** ولى همه‌ی آن‌ها در نزد تو کوچک و اندک است و انجامش براى تو سهل و آسان است.

**فَاَسْئَلُکَ بِجاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ عِنْدَکَ وَ بِحَقِّهِمْ عَلَیْکَ وَبِما اَوْجَبْتَ لَهُمْ.** پس از تو خواهم به آن آبروئى که محمّد و آل محمّد که بر او و بر ایشان سلام باد، در نزد تو دارندو به حقى که ایشان بر تو دارند و بدان‌چه واجب کرده‌اى براى ایشان.

**وَ بِسآئِرِ اَنْبِیآئِکَ وَ رُسُلِکَ وَ اَصْفِیآئِکَ وَ اَوْلِیآئِکَ الْمُخْلَِصینَ مِنْ عِبادِکَ**

و به حق سایر پیمبران و رسولان و برگزیدگان و دوستان مخلص از بندگانت.

**وَ بِاِسْمِکَ الاَْعْظَمِ الاَْعْظَمِ لَمّا قَضَیْتَها کُلَّها وَ اَسْعَفْتَنى بِها وَ لَمْ تُخَیِّبْ اَمَلى وَ رَجآئى.** و به حق بزرگ‌ترین نام اعظمت که همه‌ی این حاجت‌ها را برایم برآورى و کامروایم سازى بدان‌ها، و امید و آرزویم را مبدل به نومیدى نکنى.

**اَللّهُمَّ وَ شَفِّعْ صاحِبَ هذَا الْقَبْرِ فِىَّ یا سَیِّدى یا وَلِىَّ اللَّهِ یا اَمینَ اللَّهِ**

خدایا و شفاعت صاحب این قبر را درباره من بپذیر، اى آقاى من اى ولى خدا و اى امانت‌دار خدا.

**اَسْئَلُکَ اَنْ تَشْفَعَ لى اِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فى هذِهِ الْحاجاتِ کُلِّها بِحَقِّ آبآئِکَ الطّاهِرینَ وَبِحَقِّ اَوْلادِکَ الْمُنْتَجَبینَ.** از تو خواهم که شفاعت کنى از من به درگاه خداى عزّوجلّدر همه‌ی این حاجت‌ها به حق پدران پاکت و به حق فرزندان برگزیده‌اش.

**فَاِنَّ لَکَ عِنْدَاللَّهِ تَقَدَّسَتْ اَسْمآئُهُ الْمَنْزِلَةَ الشَّریفَةَ وَ الْمَرْتَبَةَ الْجَلیلَةَ وَالْجاهَ الْعَریضَ.** زیرا که براى تو در نزد خداوندى که نام‌هایش منزه است مقامى است بس شریف و مرتبتى است برجسته و آبروئى است پهناور و بسیار.

**اَللّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ اَوْجَهُ عِنْدَکَ مِنْ هذَا الاِْمامِ وَمِنْ آبآئِهِ وَاَبْنآئِهِ الطّاهِرینَ عَلَیْهِمُ‌السَّلامُ وَالصَّلوةُ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعآئى وَ قَدَّمْتُهُمْ اَمامَ حاجَتى وَ طَلِباتى هذِهِ.** خدایا اگر من کسى را سراغ داشتم که آبرومندتر بود در نزد تو از این امام بزرگوار و از پدران و فرزندان پاکیزه اش که درود و سلام بر ایشان باد، به طور مسلّم آن‌ها را شفیعان خود مى‌گرفتم و پیش روى حاجت‌ها و خواسته‌هایم قرار مى‌دادم.

**فَاسْمَعْ مِنّى وَاسْتَجِبْ لى وَافْعَلْ بى ما اَنْتَ اَهْلُهُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ**

پس از من بپذیر و دعایم را به اجابت رسان و انجام ده درباره‌ی من آنچه را تو شایسته آنى، اى مهربان‌ترین مهربانان.

**اَللّهُمَّ وَ ما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتى وَ عَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتى وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتى مِنْ صالِحِ دینى وَ دُنْیاىَ وَ آخِرَتى فَامْنُنْ بِهِ عَلىَّ وَاحْفَظْنى وَاحْرُسْنى وَهَبْ لى وَاغْفِرْ لى**

خدایا و هرچه را کوتاه آمد از آن درخواست من و ناتوان شد از آن نیرویم، و فکرم بدان نرسید از آن‌چه به صلاح دین و دنیا و آخرتم باشد، پس آن‌ها را بر من منت گذار و محافظتم کن و پاسداریم کن و ببخش بر من و بیامرز مرا.

**وَمَنْ اَرادَنى بِسُوَّءٍ اَوْ مَکْرُوهٍ مِنْ شَیْطانٍ مَریدٍ اَوْ سُلْطانٍ عَنیدٍ اَوْ مُخالِفٍ فى دینٍ اَوْ مُنازِعٍ فى دُنْیا اَوْ حاسِدٍ عَلَىَّ نِعْمَةً اَوْ ظالِمٍ اَوْ باغٍ فَاقْبِضْ عَنّى یَدَهُ وَاصْرِفْ عَنّى کَیْدَهُ.** و هرکه قصد دارد به من آسیبى یا امر ناخوشایندى وارد کند، چه از شیطانى متمرد یا سلطانى معاند یا مخالف در دین یا ستیزه‌جوئى در مال دنیایا حسودى که در نعمتى بر من رشک برد یا ستمکار یا زورگوئى، قدرتش را از سر من بازگیر و نقشه‌اش را از من بازگردان.

**وَاشْغَلْهُ عَنّى بِنَفْسِهِ وَاکْفِنى شَرَّهُ وَ شَرَّ اَتْباعِهِ وَ شَیاطینِهِ.** و او را به خودش مشغول کن و شرّ خودش و شرّ پیروان و شیاطینش را از من کفایت فرما.

**وَ اَجِرْنى مِنْ کُلِّ ما یَضُرُّنى وَیُجْحِفُ بى وَ اَعْطِنى جَمیعَ الْخَیْرِ کُلِّهِ مِمّا اَعْلَمُ وَمِمّا لا اَعْلَمُ.** و پناهم ده از هر چه به من زیان زند و به هلاکتم اندازد و هر خیر و خوبى است همه را به من عطا فرما چه آن‌که مى‌دانم و چه آن را که نمى دانم.

**اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لى وَ لِوالِدَىَّ وَ لاِِخْوانى وَ اَخَواتى وَ اَعْمامى وَ عَمّاتى وَ اَخْوالى وَ خالاتى وَاَجْدادى وَ جَدّاتى وَ اَوْلادِهِمْ وَ ذَراریهِمْ**

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا و پدر و مادرم و برادران و خواهرانم و عموهایم و عمه‌هایم و دائی‌هایم و خاله‌هایم و اجداد و جده‌هایم را و فرزندان‌شان و نژادشان.

**وَ اَزْواجى وَ ذُرِّیّاتى وَ اَقْرِبآئى وَ اَصْدِقائى وَ جیرانى وَ اِخْوانى فیکَ مِنْ اَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ.** و همسران و فرزندان خودم و خویشانم و رفقا و همسایگانم و برادران دینیم را از اهل شرق و غرب عالم.

**وَلِجَمیعِ اَهْلِ مَوَدَّتى مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ الاَْحْیآءِ مِنْهُمْ وَالاَْمْواتِ وَ لِجَمیعِ مَنْ عَلَّمَنى خَیْراً اَوْ تَعَلَّمَ مِنّى عِلْماً.** و تمام آنان‌که با من دوستى داشته و دارند از مردان و زنان با ایمانزنده و مرده‌شان را و تمام کسانى که کار خیرى را به من یاد داده یا از من علمى آموخته‌اند.

**اَللّهُمَّ اَشْرِکْهُمْ فى صالِحِ دُعآئى وَ زِیارَتى لِمَشْهَدِ حُجَّتِکَ وَ وَلِیِّکَ وَ اَشْرِکْنى فى صالِحِ اَدْعِیَتِهِمْ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.** خدایا شریک ساز ایشان را در دعاى خیرى که کرده‌ام و زیارتى که از زیارتگاه حجت و ولیّت نصیبم شده، و مرا نیز در دعاهاى خیر ایشان شریک ساز به مهرت اى مهربان‌ترین مهربانان.

**وَ بَلِّغْ وَلِیِّکَ مِنْهُمُ السَّلامَ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ یا سَیِّدى یا مَوْلاىَ یا علی بن موسی الرضا صَلَّى اللَّهُ عَلَیْکَ وَ عَلى رُوحِکَ وَ بَدَنِکَ**

و سلام برسان از طرف آن‌ها بر ولى خودت، و بر تو باد سلام خدا و رحمت خدا و برکاتش، اى سرور و آقاى من، اى علی بن موسی الرضا، درود خدا بر تو و بر روح و جسمت.

**اَنْتَ وَسیلَتى اِلَى اللَّهِ وَذَریعَتى اِلَیْهِ وَلى حَقُّ مُوالاتى وَ تَاْمیلى، فَکُنْ شَفیعى اِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِى الْوُقُوفِ عَلى قِصَّتى هذِهِ.** توئى وسیله‌ی من به درگاه خدا و واسطه‌ی من در پیشگاهش و من بر تو حق دوستى و آرزومندى دارم، پس شفیع من شو به درگاه خداى عزّوجلّ در اطلاع بر جریان کارم.

**وَ صَرْفى عَنْ مَوْقِفى هذا بِالنُّجْحِ بِما سَئَلْتُهُ کُلِّهِ بِرَحْمَتِهِ وَ قُدْرَتِهِ.** و بازگرداندنم از این‌جا با کامیابى بدان‌چه درخواست کرده‌ام همه را به مهر و قدرتت.

**اَللّهُمَّ ارْزُقْنى عَقْلاً کامِلاً وَ لُبّاً راجِحاً وَ عِزّاً باقِیاً وَ قَلْباً زَکِیّاً وَ عَمَلاً کَثیراً وَ اَدَباً بارِعاً وَاجْعَلْ ذلِکَ کُلَّهُ لى وَ لا تَجْعَلْهُ عَلَىَّ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ**

خدایا روزیم کن عقلى کامل، و خردى که بچربد (بر هواى نفس ) و عزتى باقى، و دلى پاک، و کردارى بسیار، و ادبى نیکو و همه را به سود من قرار ده نه به زیان من**.** به مهرت اى مهربان‌ترین مهربانان.

**نماز جعفر طیّار**: و آن چهار ركعت است به دو تشهد و دو سلام در ركعت اول بعد از سوره حمد إذا زلزلت مى‏خواند و در ركعت دوم سوره و العاديات و در ركعت سوم إذا جاء نصر الله و در ركعت چهارم قل هو الله أحد و در هر ركعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه مى‏گويد: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» و در ركوع همين تسبيحات را ده مرتبه مى‏گويد و چون سر از ركوع بر مى‏دارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پيش از آنكه برخيزد ده مرتبه در هر چهار ركعت چنين مى‏كند كه مجموع سيصد مرتبه شود شيخ كليني از ابو سعيد مدائني روايت كرده كه: حضرت صادق به من فرمود آيا تعليم نكنم ترا چيزى كه بگويى آن را در نماز جعفر گفتم بلى تعليم فرما فرمود چون در سجده آخر چهار ركعت نماز رسيدى و از تسبيحات فارغ شدى بگو:

 **سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْ‏ءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ النِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقا وَ عَدْلا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا**.به جاى اين كلمه حاجات خود را بخواهد. شيخ و سيد از مفضل بن عمر روايت كرده‏اند كه: گفت ديدم روزى حضرت امام جعفر صادق‌ را كه نماز جعفر بجا آوردند پس دست‌ها را بلند كردند و اين دعا خواندند يَا رَبِّ يَا رَبِّ به قدرى كه يك نفس وفا كند يَا رَبَّاهْ يَا رَبَّاهْ به قدر يك نفس رَبِّ رَبِّ باز به قدر يك نفس يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ باز به قدر يك نفس يَا حَيُّ يَا حَيُّ به قدر يك نفس يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ باز به قدر يك نفس يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ هفت مرتبه يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه پس خواندند**:**

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَ أَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ أُمَجِّدُكَ وَ لا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَ أُثْنِي عَلَيْكَ وَ مَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ وَ أَمَدَ مَجْدِكَ وَ أَنَّى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَ أَيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحا بِفَضْلِكَ مَوْصُوفا بِمَجْدِكَ عَوَّادا عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفا بِجُودِكَ جَوَادا بِفَضْلِكَ عَوَّادا بِكَرَمِكَ يَا لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِكْرَامِ**

پس حضرت فرمودند كه اى مفضل: هرگاه تو را حاجت ضرورى بوده باشد نماز جعفر را بكن و اين دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب كن كه برآورده مى‏شود إن‌شاء‌اللّه‌تعالى.

**والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته**

**سوره‌ی یس**

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏**

**يس(1) وَ الْقُرْآنِ الْحَكيمِ(2) إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلينَ(3) عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ(4) تَنْزيلَ الْعَزيزِ الرَّحيمِ(5) لِتُنْذِرَ قَوْماً ما أُنْذِرَ آباؤُهُمْ فَهُمْ غافِلُونَ(6) لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلى‏ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ(7) إِنَّا جَعَلْنا في‏ أَعْناقِهِمْ أَغْلالاً فَهِيَ إِلَى الْأَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ(8) وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ(9) وَ سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ(10) إِنَّما تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَ أَجْرٍ كَريمٍ(11) إِنَّا نَحْنُ نُحْيِ الْمَوْتى‏ وَ نَكْتُبُ ما قَدَّمُوا وَ آثارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْ‏ءٍ أَحْصَيْناهُ في‏ إِمامٍ مُبينٍ(12) وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلاً أَصْحابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جاءَهَا الْمُرْسَلُونَ(13) إِذْ أَرْسَلْنا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُما فَعَزَّزْنا بِثالِثٍ فَقالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ(14) قالُوا ما أَنْتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُنا وَ ما أَنْزَلَ الرَّحْمنُ مِنْ شَيْ‏ءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ تَكْذِبُونَ(15) قالُوا رَبُّنا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ(16) وَ ما عَلَيْنا إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبينُ(17) قالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذابٌ أَليمٌ(18) قالُوا طائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَ إِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ(19) وَ جاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدينَةِ رَجُلٌ يَسْعى‏ قالَ يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلينَ(20) اتَّبِعُوا مَنْ لا يَسْئَلُكُمْ أَجْراً وَ هُمْ مُهْتَدُونَ(21) وَ ما لِيَ لا أَعْبُدُ الَّذي فَطَرَني‏ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ(22) أَ أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمنُ بِضُرٍّ لا تُغْنِ عَنِّي شَفاعَتُهُمْ شَيْئاً وَ لا يُنْقِذُونِ(23) إِنِّي إِذاً لَفي‏ ضَلالٍ مُبينٍ(24) إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ(25) قيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قالَ يا لَيْتَ قَوْمي‏ يَعْلَمُونَ(26) بِما غَفَرَ لي‏ رَبِّي وَ جَعَلَني‏ مِنَ الْمُكْرَمينَ(27) وَ ما أَنْزَلْنا عَلى‏ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّماءِ وَ ما كُنَّا مُنْزِلينَ(28) إِنْ كانَتْ إِلاَّ صَيْحَةً واحِدَةً فَإِذا هُمْ خامِدُونَ(29) يا حَسْرَةً عَلَى الْعِبادِ ما يَأْتيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ(30) أَ لَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لا يَرْجِعُونَ(31) وَ إِنْ كُلٌّ لَمَّا جَميعٌ لَدَيْنا مُحْضَرُونَ(32) وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْناها وَ أَخْرَجْنا مِنْها حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ(33) وَ جَعَلْنا فيها جَنَّاتٍ مِنْ نَخيلٍ وَ أَعْنابٍ وَ فَجَّرْنا فيها مِنَ الْعُيُونِ(34) لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَ ما عَمِلَتْهُ أَيْديهِمْ أَ فَلا يَشْكُرُونَ(35) سُبْحانَ الَّذي خَلَقَ الْأَزْواجَ كُلَّها مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لا يَعْلَمُونَ(36) وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ(37) وَ الشَّمْسُ تَجْري لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ(38) وَ الْقَمَرَ قَدَّرْناهُ مَنازِلَ حَتَّى عادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَديمِ(39) لاَ الشَّمْسُ يَنْبَغي‏ لَها أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لاَ اللَّيْلُ سابِقُ النَّهارِ وَ كُلٌّ في‏ فَلَكٍ يَسْبَحُونَ(40) وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ(41) وَ خَلَقْنا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ ما يَرْكَبُونَ(42) وَ إِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلا صَريخَ لَهُمْ وَ لا هُمْ يُنْقَذُونَ(43) إِلاَّ رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتاعاً إِلى‏ حينٍ(44) وَ إِذا قيلَ لَهُمُ اتَّقُوا ما بَيْنَ أَيْديكُمْ وَ ما خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ(45) وَ ما تَأْتيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آياتِ رَبِّهِمْ إِلاَّ كانُوا عَنْها مُعْرِضينَ(46) وَ إِذا قيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لِلَّذينَ آمَنُوا أَ نُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ في‏ ضَلالٍ مُبينٍ(47) وَ يَقُولُونَ مَتى‏ هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ(48) ما يَنْظُرُونَ إِلاَّ صَيْحَةً واحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ(49) فَلا يَسْتَطيعُونَ تَوْصِيَةً وَ لا إِلى‏ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ(50) وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذا هُمْ مِنَ الْأَجْداثِ إِلى‏ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ(51) قالُوا يا وَيْلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ(52) إِنْ كانَتْ إِلاَّ صَيْحَةً واحِدَةً فَإِذا هُمْ جَميعٌ لَدَيْنا مُحْضَرُونَ(53) فَالْيَوْمَ لا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ لا تُجْزَوْنَ إِلاَّ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ(54) إِنَّ أَصْحابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ في‏ شُغُلٍ فاكِهُونَ(55) هُمْ وَ أَزْواجُهُمْ في‏ ظِلالٍ عَلَى الْأَرائِكِ مُتَّكِؤُنَ(56) لَهُمْ فيها فاكِهَةٌ وَ لَهُمْ ما يَدَّعُونَ(57) سَلامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحيمٍ(58) وَ امْتازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ(59) أَ لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يا بَني‏ آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّيْطانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ(60) وَ أَنِ اعْبُدُوني‏ هذا صِراطٌ مُسْتَقيمٌ(61) وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلاًّ كَثيراً أَ فَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ(62) هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتي‏ كُنْتُمْ تُوعَدُونَ(63) اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ(64) الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلى‏ أَفْواهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنا أَيْديهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ(65) وَ لَوْ نَشاءُ لَطَمَسْنا عَلى‏ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّراطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ(66) وَ لَوْ نَشاءُ لَمَسَخْناهُمْ عَلى‏ مَكانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطاعُوا مُضِيًّا وَ لا يَرْجِعُونَ(67) وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلا يَعْقِلُونَ(68) وَ ما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ وَ ما يَنْبَغي‏ لَهُ إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبينٌ(69) لِيُنْذِرَ مَنْ كانَ حَيًّا وَ يَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكافِرينَ(70) أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدينا أَنْعاماً فَهُمْ لَها مالِكُونَ(71) وَ ذَلَّلْناها لَهُمْ فَمِنْها رَكُوبُهُمْ وَ مِنْها يَأْكُلُونَ(72) وَ لَهُمْ فيها مَنافِعُ وَ مَشارِبُ أَ فَلا يَشْكُرُونَ(73) وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ(74) لا يَسْتَطيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ(75) فَلا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ(76) أَ وَ لَمْ يَرَ الْإِنْسانُ أَنَّا خَلَقْناهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصيمٌ مُبينٌ(77) وَ ضَرَبَ لَنا مَثَلاً وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظامَ وَ هِيَ رَميمٌ(78) قُلْ يُحْييهَا الَّذي أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَليمٌ(79) الَّذي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ ناراً فَإِذا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ (80) أَوَ لَيْسَ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِقادِرٍ عَلى‏ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلى‏ وَ هُوَ الْخَلاَّقُ الْعَليمُ(81) إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ(82) فَسُبْحانَ الَّذي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْ‏ءٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ(83)**

**سوره الرَّحمن‏**

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏**

**الرَّحْمنُ (1) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (2) خَلَقَ الْإِنْسانَ (3) عَلَّمَهُ الْبَيانَ (4) الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحُسْبانٍ (5) وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ يَسْجُدانِ (6) وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْميزانَ (7) أَلاَّ تَطْغَوْا فِي الْميزانِ (8) وَ أَقيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْميزانَ (9) وَ الْأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنامِ(10) فيها فاكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذاتُ الْأَكْمامِ (11) وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرَّيْحانُ (12) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (13) خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ كَالْفَخَّارِ (14) وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مارِجٍ مِنْ نارٍ (15) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (16) رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (17) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (18) مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ (19) بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ (20) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (21) يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ (22) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (23) وَ لَهُ الْجَوارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلامِ (24) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (25) كُلُّ مَنْ عَلَيْها فانٍ (26) وَ يَبْقى‏ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ (27) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (28) يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ في‏ شَأْنٍ (29) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (30) سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلانِ (31) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (32) يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ إِلاَّ بِسُلْطانٍ (33) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (34) يُرْسَلُ عَلَيْكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ (35) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (36) فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّماءُ فَكانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهانِ (37) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (38) فَيَوْمَئِذٍ لا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لا جَانٌّ (39) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (40) يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصي‏ وَ الْأَقْدامِ (41) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (42) هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتي‏ يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (43) يَطُوفُونَ بَيْنَها وَ بَيْنَ حَميمٍ آنٍ (44)**

**فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (45) وَ لِمَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ جَنَّتانِ (46) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (47) ذَواتا أَفْنانٍ (48) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (49) فيهِما عَيْنانِ تَجْرِيانِ (50) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (51) فيهِما مِنْ كُلِّ فاكِهَةٍ زَوْجانِ (52) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (53) مُتَّكِئينَ عَلى‏ فُرُشٍ بَطائِنُها مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دانٍ (54) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (55) فيهِنَّ قاصِراتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لا جَانٌّ (56) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (57) كَأَنَّهُنَّ الْياقُوتُ وَ الْمَرْجانُ (58) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (59) هَلْ جَزاءُ الْإِحْسانِ إِلاَّ الْإِحْسانُ (60) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (61) وَ مِنْ دُونِهِما جَنَّتانِ (62) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (63) مُدْهامَّتانِ (64) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (65) فيهِما عَيْنانِ نَضَّاخَتانِ (66) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (67) فيهِما فاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمَّانٌ (68) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (69) فيهِنَّ خَيْراتٌ حِسانٌ (70) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (71) حُورٌ مَقْصُوراتٌ فِي الْخِيامِ (72) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (73)**

 **لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لا جَانٌّ (74)**

**فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (75) مُتَّكِئينَ عَلى‏ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسانٍ (76)**

**فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (77) تَبارَكَ اسْمُ رَبَِّ ذِي الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ (78)**

**والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته**

1. - در رابطه با این‌که همه می‌دانستند علی حجّت خداوند است جریان «حبابه‌ی والبیه» که از شیعیان عاقله‌ی کامله‌ی جلیله و عالم به مسایل حلال و حرام و بسیار متعبد و کوشا در عبادت بود که هشت امام را درک کرده بود؛ می‌‌‌تواند نمونه‌ی خوبی باشد. او نقل می‌کند: «یک روز امیرالمؤمنین را در محل پیش قراولان لشگر دیدم که با تازیانه‌ی دوسری که در دست داشت، فروشندگان ماهی‌های جری(بی‌فلس) و مارماهی و سگ‌ماهی و ماهیان در آب مرده را، می‌زد و با لحن آمرانه‌ای چون: «ای فروشندگانِ مسخ شده‌های بنی اسراییل و ای لشگرِ بنی‌مروان»! آنان را از فروختن این نوع ماهی‌های حرام بازمی‌داشت. در این هنگام «فرات بن احنف» که در آن‌جا حاضر بود، از جای برخاست و به سوی حضرت آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! لشگر بنی مروان چه کسانی هستند؟ علی در پاسخ او فرمود: «آن ها کسانی بودند که ریش‌های خود را می‌تراشیدند و سبیل‌های خود را رها کرده و آن را می‌تابیدند، خداوند هم آنان را مسخ کرد. حبابه می‌گوید: من تا آن روز گوینده‌ای را خوش بیان‌تر از او ندیده بودم؛ او را دنبال کردم تا این‌که در جلویِ خان مسجد(محوطه‌ی جلوی مسجد) نشست، به او عرض کردم: خداوند تو را مشمول لطف و رحمت خویش قرار دهد، دلیل بر امامت چیست؟ آن حضرت با دست خود اشاره به ریگی که روی زمین افتاده بود کرد و فرمود: «آن را نزد من بیاور». من آن ریگ را برداشتم و به ایشان دادم، آن حضرت ریگ را در کف دست خود گذاشت و با دست خود آن را نرم کرد، سپس با نگین انگشترش که نام خود آن حضرت بر آن نقش بسته بود، آن سنگریزه را مهر کرد، سپس به من گفت: ای حبابه! هر گاه کسی ادعای امامت کرد و توانست چنان که دیدی بر سنگریزه‌ای مهر بزند، پس بدان که او امام واجب الاطاعه است. همانا امام کسی است که هر چه را بخواهد و اراده کند، از او پنهان نگردد. حبابه گوید: من رفتم تا هنگامی که امیرالمؤمنین به درجه‌ی رفیع شهادت رسید. من نزد امام حسن آمدم، آن حضرت در مسند امیرالمؤمنین نشسته بود و مردم، معالم دین خود را از او سؤال می‌کردند. چون حضرت مرا دید، فرمود: «ای حبابه‌ی والبیه!» عرض کردم: بله، ای مولای من! فرمود: «آن چه همراه داری بیاور، من آن سنگریزه را به او دادم، آن حضرت نیز همانند امیرالمؤمنین علی برای من بر آن سنگریزه مهر نهاد.

پس از شهادت امام حسن به نزد امام حسین شرف حضور پیدا کردم. حضرت در مسجد پیغمبر نشسته بود، چون وارد شدم، مرا خوش آمد گفت و به نزدیک خودش خواند و فرمود: «ان فی الدلالة دلیلا علی ما تریدین، افتریدین دلالة الامامة؟»؛ در میان نشانه‌ی امامت، آن‌چه را تو می‌خواهی هست، آیا دلیل امامت را می‌خواهی؟ گفتم: آری آقای من، فرمود: «آن‌چه با خود داری بیاور». سنگریزه را به آن حضرت دادم و او هم بر آن مهر نهاد. پس از شهادت آن حضرت نزد علی بن الحسین رفتم. در آن موقع سنّ من به صدو سیزده سال رسیده بود و از شدت پیری ضعف بر وجودم غلبه کرده و رعشه بر اعضای من افتاده بود. آن حضرت در حال رکوع و سجود و مشغول عبادت بود. مدتی منتظر ماندم تا این‌که خسته شدم و از دریافت نشانه‌ی امامت مأیوس گشتم، برخاستم که بروم، دیدم آن حضرت با انگشت سبابه به من اشاره فرمود، ناگاه دیدم جوانی به من بازگشته و خود را دختری باگیسوان مشکین دیدم. چون نمازش تمام شد، گفتم: ای آقای من! چقدر از دنیا گذشته و چقدر باقی‌مانده است؟ فرمود: «اما ما مضی فنعم و اما ما بقی فلا»؛ «آن‌چه را که گذشته است می‌دانم و آن‌چه را که باقی است، کسی نمی‌داند. سپس فرمود: «آن چه همراه داری بیاور.» من سنگریزه را به او دادم و حضرت بر آن مهر نهاد. پس از شهادت امام سجاد به خدمت امام محمد باقر، امام جعفر صادق و امام موسی کاظم و امام رضا(صلوات‌الله علیهم اجمعین) رسیدم و همه‌ی حضرات سنگریزه را برایم مهر کردند. از عبدالله بن همام نقل است که وی پس از آن نه ماه دیگر زنده بود. (بحارالانوار، ج 25، ص 177؛ در «اصول کافی، ج 1، ص 346، ح 3، از «محمد بن هشام » نقل شده است.) [↑](#footnote-ref-1)